

مجله شبان

مؤسسه "تعلیم" تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۴۷، سال نهم، فوریه ۲۰۰۸

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان

فهرست مطالب

- کلیسای خانگی: اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی
بخش چهارم (تت استیوآرت)
● بدعت‌های مربوط به تثلیث
بخش نخست: مقدمه (فریبرز خدانی)
● آشنایی با فرقه‌های مسیحیت
بخش دهم و آخر: جمع‌بندی
(آرمان رُشدی)
● مسیح مشاور نیک
بخش چهارم: مشورت مسیح به افراد خشمگین (تت استیوآرت)
● هدف منحصر به فرد زندگی شما
بخش چهارم: قابلیت‌ها و توانایی‌های ما (تلخیص و نگارش: دکتر ساسان توسلی)
● به‌مناسبت درگذشت زنده‌یاد، کشیش سبحانی (منصور خواجه‌پور)

دفتر مجله:

Talim Ministries, Inc
P.O.Box 471736
Aurora, Colorado, 80047-1736
U.S.A.
e-mail: Tatstewart@Comcast.net
Website: www.Talimministries.com

کلیسای خانگی

بخش چهارم: اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی

از کشیش تَت استیوارت

(ترجمه لیلا طهماسبی)

کلیسای خانگی طبیعی‌ترین راه برای گسترش و رشد مسیحیت در طول دوره‌ها بوده است. در قرن اول، اگر نشانی کلیسایی را می‌خواستید، نشانی یک خانه را به شما می‌دادند. امروزه شاهدیم که تعداد کلیساهای خانگی به علت انعطاف‌پذیری آنها به سرعت در حال افزایش است؛ مردم در جَوّی غیر رسمی، در خانه‌ای جمع می‌شوند و عامل اصلی که آنها را کنار یکدیگر نگه می‌دارد، رابطه بین آنهاست نه ساختمان محل تجمع. آنها با مشکل هزینه‌های مالی روبرو نبوده، به راحتی می‌توانند در محیط‌های مختلف قرار گیرند. مانند آب می‌توانند در هر ظرفی جاری شوند و بدینگونه خود را با محیط‌های گوناگون وفق دهند و حیات، انرژی و زنده‌دلی مسیح را به ارمغان آورند.

اکثر اوقات این کلیساها بهترین مکان برای غیر ایمانداران می‌باشند تا در محیطی امن و بدون مخاطره با مسیح آشنا شوند. همچنین محیطی بسیار طبیعی برای نوایمانان است تا آموزش لازم برای شناخت خدا را در آنجا دریافت کنند. برای تأسیس این کلیساها نیازی به روحانیون دوره‌دیده در سطوح بالا نیست، بلکه رهبران کلیسای خانگی که خود آموزش گرفته و می‌خواهند تحت قدرت کلام خدا و هدایت روح القدس، به رهبرانی شایسته تبدیل شوند، رهبری این کلیساها را به عهده می‌گیرند.

اما درست همان خصوصیتی که قوت کلیسای خانگی محسوب می‌شود، می‌تواند باعث سقوط آن گردد. چرا که بسیاری از کسانی که این کلیساها را هدایت می‌کنند از رهنمودهای کتاب مقدس برای شکوفا شدن کلیسای عیسی مسیح و آشکار شدن پادشاهی خداوند، هیچگونه آگاهی ندارند. رهبران جدید بیشتر تمایل به تکرار عملکردهای موجود دارند تا توصیف و اجرای حقیقتی که در خبرخوش آمده است. با در نظر داشتن این مطلب، بیابید نگاهی عمیق‌تر بیفکنیم به آن اصول اساسی که یک کلیسای خانگی مبتنی بر کتاب مقدس، باید بر آنها بنا شود تا در برابر طوفانهای اجتناب‌ناپذیر استوار بماند.

مسیح، سر کلیسا

اجازه دهید مسیح به عنوان سر کلیسای خانگی حکم‌فرمایی کند: ”و او بدن یعنی کلیسا را سر است“ (کولسیان ۱:۱۸). کلیسای خانگی فرا خوانده شده تا تحت فرماندهی مسیح گرد هم آید، نه بر اساس جذبه روحانی فردی که رهبری را به عهده گرفته است. پولس در افسسیان از کلیسایی سخن می‌گوید که در اثر امواج تعالیم مردمانی

حیله‌اندیش و مکار به عقب و جلو رانده می‌شدند. آنها با راه‌های فریب‌آمیز خود، مشارکتی از اطفال به‌وجود آورده بودند. "بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیزی ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح" (افسیان ۱۵:۴). من قطعاً باور ندارم که اکثر رهبران کلیسای خانگی عمداً بخواهند باعث گمراهی گله‌هایشان شوند، اما زمانی که مسیح به‌عنوان سر بدن شناخته نشود، ناخودآگاه این اتفاق خواهد افتاد. با دیدن کار خدا در زندگی دیگران، به راحتی می‌توان تحت تسخیر هیجان آن قرار گرفت و آمدن افراد به سوی مسیح را به حساب رهبری خود گذاشت. موفقیت در خدمت باعث سرخوشی می‌شود؛ بنابراین لازم است که تمرکز کلیسای خانگی خود را روی مسیح حفظ نماییم. چندین روش عملی برای اداره گردهمایی کلیسای خانگی، به طریقی که اقتدار و فرمانروایی مسیح را عزت بخشد، در زیر آمده است:

- پیشاپیش، برای تمامی حاضرین دعا کنید، از مسیح بخواهید که در جمع شما با قدرت حاضر باشد و شما را محافظت نماید.
- تمامی جلسات را با پرستشی شروع کنید که روی شخصیت خداوند تکیه می‌کند؛ به‌طور مثال، بسیاری از خصوصیت‌های خداوند در مزامیر ۱۴۵ آمده است که می‌توان آنها را شناسایی کرده، در نیایش خود از آنها استفاده کنیم.
- در مقام یک رهبر، خود را کاملاً به مسیح سپرده، با قلبی خادم حضور یابید.
- با قائل شدن مرجعیت نهایی برای کلام خدا در برابر هر عقیده و رسمی، به مسیح جلال بخشید.
- حضور مسیح را انتظار بکشید، نگاهتان بر او باشد و برای گرفتن رهنمود، به کلام او رجوع کنید و سپس تمامی نیازها را به‌صورت دعای شفاعت در حضور او بلند کنید.

کهنات همه ایمانداران

یاد بگیرید برای کهنات ملوکانه همه ایمانداران خوشحالی کنید و از آن تجلیل به‌عمل آورید: "لکن شما قبيله برگزیده و کهنات ملوکانه هستید" (اول پطرس ۲:۹). معنای کاهن در مفهوم تاریخی آن، به معنی شخصی است که خدا را به مردم می‌شناساند و نیازهای ایشان را در قالب دعای شفاعت به نزد خدا می‌برد. پادشاهان عیسی مسیح، کاهن اعظم کامل است؛ چرا که او خدای نادیده را بر ما آشکار می‌سازد و با بردن گناهان ما بر روی صلیب، ما را بی‌عیب به حضور خدایی می‌برد که خود مقدس است. در طی تاریخ اولیه کلیسا، گروهی متشکل از کشیش‌ها یا مردان روحانی به‌وجود آمد که به‌منظر می‌رسید رابطه نزدیکتری با خدا دارند و می‌توانند به‌عنوان کسانی که کلام خدا و حقیقت را بیان می‌کنند، مسیحیان سطوح میانی را خدمت کنند. در دوره اصلاحات، بسیاری از حقایق از دست‌رفته کتاب مقدس، بازیابی شد. یکی از آن حقایق، کهنات همه ایمانداران است. این حقیقت به ما می‌آموزد که همه ایمانداران وظیفه خدمت در کلیسای مبتنی بر کتاب مقدس را دارند. اما به این معنی نیست که همه ایمانداران می‌توانند هر کاری را در بدن مسیح انجام دهند، زیرا عطایای روحانی گوناگونی وجود دارد که منجر به خدمت در

زمینه‌های گوناگون می‌شود و همچنین میزان رشد و بلوغ در مسیحیت، مراحل مختلفی دارد که با توجه به آن، شخص صلاحیت لازم برای خدمت را کسب می‌کند. اما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که منظور این است که همه ما می‌توانیم برای یکدیگر دعا کنیم و تعلیمی را که از کتاب مقدس می‌گیریم، با یکدیگر در میان بگذاریم. همچنین بدین معناست که کلیسای خانگی سالم، مکانی است که همه برای کمک و خدمت به یکدیگر جمع می‌شویم و این خدمت جزء اختیارات شخصی عده به‌خصوصی نیست. چندین راه که به کمک آنها می‌توانید کهنات همه ایمانداران را در کلیسای خانگی شکوفا سازید، عبارتند از:

- هنگام پرستش، تا حد امکان تعداد بیشتری از مردم را در این امر شرکت دهید. به‌طور مثال، با دعوت آنها به خواندن یک مزمور، ذکر آیه‌ای در باره خصوصیات خاص خداوند و یا مشارکت در دعا‌های نیایشی، این کار را می‌توانید انجام دهید.
- از روشی گروهی برای مطالعه کتاب مقدس استفاده کنید. یک الگوی مفید این است که به‌ترتیب با دعوت هر شخص به خواندن یک آیه، متن را با هم بخوانید. از تک تک افراد بخواهید آیه‌ای را که بر قلب یا فکر آنها بیشتر نشسته است، با دیگران در میان بگذارند. سپس از گروه بخواهید فهرستی از سوالات در رابطه با متن خوانده‌شده تهیه نمایند و سایر افراد را تشویق کنید با توجه به آیات مذکور، سؤالها را پاسخ دهند. در انتها، در مورد چگونگی کاربرد آن حقایق با هم صحبت کرده، برای یکدیگر دعا کنید.
- زمانی را به این اختصاص دهید که اعضای کلیسای خانگی خود را به گروه‌های سه نفره تقسیم کنید. از هر یک از آنها بخواهید یک موضوع که باعث شادی آنها در خداوند می‌شود و یک ناراحتی از زندگی خود را در گروه مطرح سازند و برای یکدیگر دعا کنند.

در شماره آینده، در باره خصوصیات اساسی کلیسای خانگی بر اساس کتاب مقدس بحث خواهیم کرد.

بدعت‌های مربوط به تثلیث

از کشیش دکتر فریبرز خدانی

بخش اول: مقدمه

ما مسیحیان به تثلیث مقدس معتقدیم. تقریباً همه مسیحیان ایرانی به تثلیث اعتراف می‌کنند و التزام دارند. می‌گوییم تقریباً، به این جهت که در میان مسیحیان ایرانی و گروه‌هایی که خود را مسیحی معرفی می‌کنند، افرادی نظیر شاهدان یهوه هم وجود دارند که بالکل الوهیت و ازلیت عیسی را انکار می‌نمایند؛ یا به‌تازگی گروه دیگری در ایران پدیدار شده است که در مغرب‌زمین با نام Oneness Pentecostal یا United Pentecostal (پنطیکاستی‌های یگانه‌باور) فعالیت می‌کنند که می‌گویند پدر و پسر و روح‌القدس، سه شخص متفاوت و متمایز از یکدیگر نمی‌باشند، بلکه سه نقاب و چهره مختلف از یک شخص به حساب می‌آیند؛ و اینکه خدا خود را در عهدعتیق به‌عنوان پدر، و در عهدجدید به‌عنوان پسر، و در این ایام آخر با چهره روح‌القدس معرفی و نمایان کرده است. نام کارشناسانه این بدعت "مودالیزم" (Modalism) می‌باشد که کنایه به سه وجه (Mode) است که این بدعت برای الوهیت قائل می‌باشد.

وظیفه دشوار خادمین

باید اذعان داشت که آموزه تثلیث، یکی از مشکل‌ترین آموزه‌های مسیحیت است و ما شبانان و معلمین کلام نیز چه بخواهیم و چه نخواهیم، عهده‌دار وظیفه تبیین، تشریح و توضیح این آموزه هستیم. از یک سو، همین مشکل بودن این آموزه، باید ما شبانان و معلمین کلام را تشویق کند که در پیرامون این موضوع بفرنج و سنگین بیشتر مطالعه و دقت کنیم. از سوی دیگر، باید این واقعیت را از نظر دور نداشت که درصد قابل توجهی از جامعه ایرانی از تحصیلات دانشگاهی برخوردار می‌باشند و پرسش‌هایی که جامعه جدید حق‌جو مطرح می‌کند، به مراتب عمیق‌تر و جستجوگرانه‌تر از پرسش‌های والدین آنهاست و بالطبع در خور پاسخ‌های کارشناسانه و عمیق‌تری می‌باشد. این عامل دوم نیز، به خودی خود، باید برای ما معلمین و شبانان انگیزه‌بخش مطالعه و تفکر بیشتر باشد. به عبارت دیگر، خدا از ما دعوت کرده است که موضوع مشکلی چون تثلیث اقدس را برای شاگردان تیزهوش و نکته‌سنجی همچون جامعه حق‌جوی کنونی ایرانی تشریح کنیم، دعوتی که باید آن را جدی گرفت.

اجتناب از راه‌حل‌های ساده‌اندیشانه

با توجه به این دو عامل، لازم است که پیش از هر چیز، از راه‌حل‌های ساده‌اندیشانه دوری نماییم. یکی از این راه‌حل‌های ساده‌انگارانه، توسل جستن به مثال‌های کلیشه‌ای است. فکر می‌کنم که همه ما مثال آب و یخ و بخار، یا شوهر و پدر و فرزند، و یا شاید خودمان نیز از این مثالها بهره جسته باشیم و حتی شعر معروف هاتف اصفهانی را برای حق‌جویان تکرار کرده‌ایم که "سه نگردد بریشم ار او را پر نیان خوانی و حریر و پرند". حال آنکه قبل از هر چیز باید دانست که این مثالها، علاوه بر ضعیف بودن و مناقشه‌پذیری‌شان، در پیش فرض اولیه خود، دچار انحراف

مُدالیزم هستند. یعنی اینکه مثالهای فوق، سه اقنوم را یکی پنداشته و صرفاً آنها را سه چهره متفاوت از یک عنصر قلمداد می‌کنند و به این ترتیب اصل تلفیق میان اقاییم را مورد انکار قرار می‌دهند. از جانب دیگر، ممکن است جواب‌های ساده‌اندیشانه ما، شنونده را به این وهم دچار سازد که ما مسیحیان ادعا می‌کنیم که می‌توان خدا را درک و تعریف و تفسیر کرد که البته هیچ مسیحی عاقلی این ادعا را نمی‌کند.

اهمیت آگاهی از فلسفه

باید دانست که فلسفه و بحث‌های فلسفی، بازی خطرناکی است که بازیگر ناشی را به سرعت و به آسانی در دام سخنان ناسنجیده خود گرفتار خواهد ساخت. هیچ چیز بدتر از علم بدون عمل نیست، و از غیرت خالی از اندیشه‌گری چیزی خطرناکتر وجود ندارد. هدف ما این نیست که علم بی‌عمل را پیشه کنیم، لیکن باید تا حد امکان غیرتمان در امر بشارت، توأم با دانش و آگاهی باشد. لذا پیش از هر چیز به شبانان محترم و همکاران عزیزم توصیه می‌کنم که کمی خود را با علم فلسفه آشنا سازند. به این منظور مطالعه "تاریخ فلسفه" نوشته فردریک کاپلستون را (که چند جلد آن به فارسی هم ترجمه شده است) توصیه می‌کنم. پدر کاپلستون یک کشیش کاتولیک بود و کتاب تاریخ فلسفه را برای استفاده از دانشجویان علوم الهی نگاشته است. همچنین آثاری نظیر "سیر حکمت در اروپا" نوشته محمدعلی فروغی، یا "تاریخ فلسفه" نوشته ویل دورانت، برای شروع کار بسیار مهم خواهد بود.

اهمیت آشنایی با تاریخ تفکر مسیحی

ولی جدا از علم فلسفه، آشنایی با تاریخ تحول تفکر مسیحی و شکل‌گیری مسیح‌شناسی و آشنایی با روند شکل‌گیری آموزه تثلیث به ما کمک خواهد کرد تا ابتدا خود این آموزه اساسی مسیحیت را درک کنیم و سپس ابزار فکری و کلامی لازم جهت تشریح و تبیین این آموزه را در دست داشته باشیم. چند سالی است که آقای روبرت آسریان، کتاب مفیدی تحت عنوان "تاریخ تفکر مسیحی" را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند که مطالعه آن را به دوستان عزیزم توصیه می‌کنم.

در باره بدعت‌های تثلیث

با توجه به حساسیت موضوع، و بنا به تقاضای سردبیر محترم مجله، از این شماره به بعد، به مدت چند شماره، یک سلسله مقالاتی راجع به بدعت‌های تاریخی را که در مخالفت با تثلیث قد علم کرده‌اند، خدمت شما همسنگران گرامی معرفی خواهم کرد. در این مجموعه مقالات سعی بر این خواهد بود که این بدعت‌ها و عواقب سوء آنها را از نقطه نظر مراقبت شبانی و دیدگاه عطوفت شبانی بررسی و تفسیر کنم. امیدوارم که مورد توجه شما دوستان قرار بگیرد.

آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش دهم و آخر: جمع‌بندی

نگارش: آرمان رُشدی

در شماره‌های گذشته، طی نُه مقاله، به بررسی آراء و عقاید و آیینهای اکثر فرقه‌های مسیحیت پرداختیم. در این شماره، ضمن جمع‌بندی مطالب گذشته، به ارائه تصویری کلی از وضعیت کنونی مسیحیت خواهیم پرداخت. کلیساها را امروزه می‌توان به دو گروه مشخص و متمایز تقسیم کرد. یک گروه، کلیساهای باستانی و سنت‌گرا است (نظیر کلیساهای کاتولیک و ارتودکس)، و گروه دیگر مجموعه کلیساهای پروتستان.

بنیاد اعتقادات کلیساهای سنت‌گرا

کلیساهای سنت‌گرا عمدتاً عبارتند از کلیساهای کاتولیک، ارتودکس یونانی، و ارتودکس روس. کلیساهای قبطی (در مصر)، مارونی (در سوریه)، گریگوری ارمنی، و کلیسای شرق آشور نیز جزو کلیساهای سنت‌گرا و باستانی می‌باشند.

همان‌گونه که در بخش مربوطه اشاره شد، ویژگی اصلی این کلیساها این است که برای سنت پدران اولیه کلیسا و مرجعیت کلیسا جایگاه خاصی قائلند. به‌بیانی ساده‌تر، این کلیساها اصول عقیدتی و آیینهای مقدس و رسوم عبادتی خود را نه‌تنها از کتاب مقدس، بلکه از نوشته‌های پدران کلیسا و نیز مصوبات کلیسا اخذ می‌کنند.

این کلیساها به‌منظور توجیه روش خود، به داده‌های تاریخی استناد می‌کنند. طبق این داده‌ها، مسیحیت در قرن اول به‌دنبال نگارش عهدجدید به وجود نیامد، بلکه در اثر پیام و تعلیم رسولان. پیش از آنکه نگارش کتاب‌های عهدجدید به‌تدریج تا اواخر قرن اول به پایان برسد، کلیسا و مسیحیت وجود داشت و اعتقادات و آیینهای عبادتی این کلیسا بر پایه تعالیم شفاهی رسولان قرار داشت. به این ترتیب، می‌توان گفت که اعتقادات و عبادات و رسوم کلیسایی نظیر کلیسای کاتولیک، بر سه ستون اصلی استوار است: کتاب مقدس، سنت پدران، و مصوبات کلیسا. این ستونها هر سه به یک اندازه از اعتبار و مرجعیت برخوردارند.

برای مثال، ممکن است یک پروتستان به یک کاتولیک بگوید: ”در هیچ جای عهدجدید نیامده که می‌توانیم به قدسین و شهیدان دعا کنیم و از ایشان طلب شفاعت نماییم. چرا شما چنین می‌کنید؟“ یک کاتولیک آگاه در پاسخ به این سؤال خواهد گفت: ”از آنجا که طبق نوشته‌های پدران کلیسا در قرن دوم، مسیحیان اولیه چنین دعایی می‌کرده‌اند.“ یا ممکن است بپرسد: ”در عهدجدید آمده که نوایمانان را به‌هنگام غسل تعمید، در آب غوطه‌ور می‌ساختند. پس چرا شما آنها را با ریختن آب بر سرشان تعمید می‌دهید؟“ باز کاتولیک آگاه پاسخ خواهد داد: ”از

آنجا که طبق کتاب «دیداکه» که همزمان با آخرین دهه از عمر یوحنا رسول نوشته شده، مسیحیان اولیه در مکان‌هایی که آب کافی نبود، اجباراً چنین می‌کردند، و این روش در میان پدران اولیه کلیسا مرسوم بوده است. کسانی که مطالعه‌ای در آثار و نوشته‌های پدران اولیه کلیسا داشته‌اند، قطعاً متوجه شده‌اند که این ادعاها در این نوشته‌ها منعکس می‌باشد.

به این ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که منبعی که کلیساهای سنت‌گرا اصول اعتقادی و آیینها و رسوم خود را استخراج می‌کنند، بر خلاف پروتستان‌ها، فقط محدود به کتاب مقدس نیست، بلکه سنت پدران کلیسا و مصوبات مجمع اسقفان در هر دوره‌ای، برای ایشان به همان اندازه مرجعیت و حُجَّت دارد.

ستون یگانه کلیساهای پروتستان

در اواخر قرون وسطی^۱ (یعنی سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی)، کلیسای کاتولیک در ورطه افراط افتاد. امروزه این کلیسا این امر را تصدیق می‌کند. کلیسا به دنیادوستی و تجمل‌گرایی یافته بود. پاپ‌ها قدرت داشتند پادشاه یا حکمرانی را در اروپا نصب یا عزل کنند. پاپ در واقع بر مسند امپراتوران روم باستان نشسته بود و بر امور سیاسی اروپا سلطه کامل داشت. در دربار پاپ فساد اخلاقی به چشم می‌خورد. کلیسا هر کسی را که عقیده‌ای خلاف اعتقادات روم ابراز می‌کرد، یا خاموش می‌ساخت یا یکسره اعدام می‌کرد. کشیشان کاتولیک متعددی به این افراط‌ها و فسادها اعتراض کردند، اما اکثر آنان اعدام شدند.

اما در اوائل سده شانزدهم، کشیشی کاتولیک در آلمان بار دیگر علم مخالفت را با افراط‌های روم بر افراشت. از اقبال خوب او، حکمرانان وقت به‌خاطر ملاحظات سیاسی و اقتصادی، او را مورد پشتیبانی قرار دادند و حتی به نهضت او پیوستند. قصد لوثر این نبود که کلیسای جدید پدید آورد، بلکه می‌خواست کلیسا از درون متحول شود. او قصد داشت کلیسا را از برخی افراط‌ها و فسادهای اخلاقی دور سازد. اما وقتی کار به جایی نبرد، کلیسای نو تشکیل داد.

مهم‌ترین اصلی که لوثر به آن پایبند بود، بازگشت به اصول عهدجدید بود. از او این شعار بر جای مانده است: "فقط کتاب مقدس". او معتقد بود که هر چه در عهدجدید یافت نشود یا با روح آن مغایر باشد، باید از مسیحیت زدوده شود. به این ترتیب، نهضت پروتستان به وجود آمد که می‌کوشید اصول اعتقادات و آیینهای مقدس و رسوم عبادی را با عهدجدید مطابقت دهد. لوثر می‌گفت که کتاب مقدس باید به زبان مردم هر سرزمین ترجمه شود، و هر کس باید کتاب مقدس را بخواند و می‌تواند آن را تفسیر کند. این رویکرد او درست در نقطه مقابل نظر کلیسای کاتولیک قرار داشت که می‌گفت فقط مجمع اسقفان صلاحیت دارد کتاب مقدس را تفسیر کند. لذا لوثر کلیسای بنیاد نهاد که بر تفسیر خود او از کتاب مقدس مبتنی بود. این همان کلیسای لوثری است که امروز عمدتاً در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی مستقر می‌باشد.

اما لوثر تنها کسی نبود که تفسیر خاص خود را ارائه داد. تقریباً همزمان با او بود که زوئینگلی و کالون در سوئیس تفسیرهای خود را ارائه دادند. کالون کلیسای پرزبیتری را بنیان گذاشت. دیری نپایید که کلیسای کاتولیک

انگلستان خود را از سلطه پاپ خارج ساخت و کلیسای انگلیکن را به وجود آورد. در اوائل سده هفدهم نیز کلیسای بابتیست پا به عرصه وجود گذاشت. در سده هجدهم، جان و چارلز وُزلی کلیسای متودیست را بنیان گذاشتند. همه اینها معتقد بودند که تفسیرشان از کتاب مقدس یگانه تفسیر درست است. به این ترتیب کلیساهای مختلفی تحت چتر مشترک "پروتستان" به وجود آمد؛ این چتر مشترک همانا تلاش برای پابندی به شعار "فقط کتاب مقدس" می‌باشد. کلیساهایی که نام بردیم، یعنی کلیساهای لوتری، پرزبیتری، انگلیکن، بابتیست، و متودیست، با عنوان کلیساهای جریان اصلی (mainstream) یا کلیساهای نهادینه معروف هستند. کلیساهای جریان اصلی اکنون در سراسر دنیا پیرو دارند.

کلیسای متودیست در ایالات متحده بسیار نیرومند شد. از بطن این کلیسا در سده نوزدهم، نهضتی به وجود آمد که به "نهضت تقدس" (Holiness Movement) معروف است. این نهضت تأکید بیشتری بر اعتقاد جان وُزلی به تجربه مشخص بازگشت و تولد تازه گذاشت. در اواخر قرن مزبور، این تجربه تقدیس را تعمیم به روح القدس نامیدند. موضوع شفا از تأکیدات عمده نهضت تقدس گردید.

و باز از بطن همین نهضت تقدس بود که در اوائل سده بیستم در ایالات متحده، نهضت پنطیکاستی پدیدار گشت. در نیمه دوم قرن بیستم نیز نهضت کریزماتیک تحت تأثیرات نهضت پنطیکاستی به وجود آمد. همان گونه که در شماره قبل شرح داده شد، جنبش کریزماتیک به کلیساهای نهادینه نیز نفوذ کرد و امروزه شمار فزاینده‌ای از اعضای این کلیساها، کریزماتیک هستند.

از اواسط قرن بیستم در ایالات متحده، خادمین مختلف کلیساها یا سازمانهای (Ministries) خاص خود را به وجود آورده‌اند که به کلیساها یا سازمانهای غیرفرقه‌ای (non-denominational) معروف‌اند. هر یک از این کلیساها یا سازمانها که اغلب کریزماتیک هستند، پیرو نظرات و اعتقادات و روشهای رهبر خود می‌باشند. اما از آنجا که اظهار می‌دارند پیرو شعار پروتستان، یعنی "فقط کتاب مقدس" هستند، خود را پروتستان می‌دانند.

وضعیت امروز

در توصیف وضعیت امروز مسیحیت در جهان، باید گفت که تعداد اعضای کلیساهای نهادینه رو به کاهش است، اما در مقابل، شمار اعضای کلیساهای پنطیکاستی و کریزماتیک به‌شکلی چشمگیر رو به فزونی است. شاید یکی از علل عمده این امر، حالت پر شور و هیجان‌انگیز جلسات این کلیساها باشد که با رقص و پایکوبی و سرودهای هیجان‌آور و اتفاقات ملموس و بیرونی نظیر افتادن، خنده، نبوت، تکلم به زبانها و نظایر اینها همراه است. همچنین باید توجه داشت که تأکید این کلیساها بر شفا، وعده موفقیت و کامیابی، و تضمین این امر که خدا در پاسخ به ایمان فرد، هر مشکل او را برطرف می‌سازد، مسیحیتی لمس‌شدنی و مرتبط به دردها و رنجهای انسان را ارائه می‌دهد که طبعاً دردمندان را به خود جلب می‌کند و نیز خلأ روحانی ناشی از جامعه‌ای ماده‌گرا را پر می‌سازد. امروزه، افزایش تعداد کلیساهای غیرفرقه‌ای چنان زیاد شده که تصور نمی‌شود در شرایط کنونی، دیگر قابل کنترل باشد.

علل این تنوع گسترده

در مقابل چنین تنوعی در مذهب پروتستان چه باید گفت؟ چرا این همه تنوع؟ علت اصلی آن را باید در ماهیت کتاب مقدس جستجو کرد. طبق شعار پیشگامان نهضت اصلاحات، هر کس می‌تواند کتاب مقدس را بخواند و درک کند و تفسیر نماید. اما اگر درک کتاب مقدس اینچنین سهل و ساده است، پس چرا در همان آغاز نهضت پروتستان، شاهد پیدایی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف هستیم، در حالی که همه آنها نیز مدعی بودند که عقاید و رسومشان منطبق بر کتاب مقدس است و فقط خودشان درک درست را از این کتاب دارند؟

ماهیت کتاب مقدس

همان گونه که ذکر شد، موضوع ماهیت کتاب مقدس از علل اصلی این تنوع است. اما این بحثی است طولانی که نگارنده این مقاله در یکی از شماره‌های قدیمی به آن پرداخته بود. واقعیت این است که به غیر از اصول اساسی اعتقادات (نظیر وحدانیت خدا، تثلیث، کفاره)، بسیاری از مباحث فرعی و ثانوی (نظیر شیوه اداره کلیسا، مفهوم دقیق عشاء ربانی، روش تعمید، تعمید نوزادان) به صراحت در کتاب مقدس مشخص نشده‌اند و حکمی مستقیم در باره آنها نیامده است. اختلاف نظر در باره همین موضوعات فرعی بود که موجب اختلاف نظر در میان پیشگامان نهضت اصلاحات گردید.

تأکید بیش از حد بر نکات فرعی

در قرن بیستم نیز عاملی که سبب پیدایی چنین انبوهی از کلیساهای غیرفرقه‌ای شده، شاید عمدتاً این باشد که رهبران این گروه‌ها گاه نکته‌ای بسیار فرعی را چنان بزرگ نمایانده‌اند که منجر به تشکیل گروه جدیدی از کریزماتیک‌ها شده است. برای مثال، واعظی بر اساس رساله سوم یوحنا، آیه ۲، تعلیمی را اشاعه داد که به "انجیل تندرستی و ثروت" معروف شده است.

تحمیل عقاید زمانه

عاملی دیگر، جستجوی فرهنگ زمانه در لابلای مطالب کتاب مقدس و تحمیل آن بر این کتاب می‌باشد. برای مثال، هواداران نهضت فمینیستی (حقوق مسلم زنان) مدعی هستند که کتاب مقدس این امر را به موضوع تعلیم داده است. نمونه دیگر، موضوع برده‌داری بود که در سده نوزدهم موجب بروز جنگ‌هایی خونین در ایالات شرقی آمریکا گردید. هواداران برده‌داری و مخالفان آن، هر دو ادعا می‌کردند که نظرشان به صراحت در کتاب مقدس تعلیم داده شده است.

تأکید فقط بر یک دسته از آیات

عامل دیگر، تأکید بر یک دسته از آیات به بهای نادیده گرفتن دسته‌ای دیگر می‌باشد. بهترین نمونه این امر را در عقاید کالون و آرمینیوس می‌بینیم. کالون بر آن دسته از آیات تأکید می‌گذاشت که بیانگر این امر هستند که خدا از بدو خلقت، عده‌ای را برای رستگاری تعیین کرد و عده‌ای را برای هلاکت. آرمینیوس نیز بر آیتی تأکید داشت که حاکی از اختیار و آزادی انتخاب انسان هستند. هر دو مکتب لاجرم برخی آیات را یا نادیده می‌گیرند یا آنها را به‌نوعی تعبیر و تفسیر می‌کنند.

فرهنگ معاصر

در این میان، نباید فراموش کرد که فرهنگ و تفکر زمانه ما مبتنی است بر فردگرایی مفرط، شکستن هر نوع سنتی، و عدم تابعیت از اقتدار و مرجعیت مقامات ارشد. بارزترین نمونه این امر را در روابط خانوادگی مشاهده می‌کنیم. نه شوهر آن اقتدار کتاب‌مقدسی را دارا است، و نه والدین از احترام لازم. شاگرد مدرسه نیز برای معلم تعیین تکلیف می‌کند. جوانان هم دیگر در مقابل سالخوردگان به پا نمی‌خیزند. پرده حجب و حیا و حرمت دریده شده است. متأسفانه بازتاب‌های این فرهنگ را در مذهب نیز شاهدیم. هر عضوی به‌مجرد آنکه مقداری مطالعه کرد، مدعی مقام رهبری می‌شود، کلیسای خود را ترک می‌کند، و کلیسای جدیدی برای خود بر تشکیل می‌دهد.

نقش خادمین

در این آشفته‌بازار، نقش خادمین چیست؟ در اینجا نگارنده حقیر این مقاله، نظرات خود را بیان می‌دارد که قطعاً فراگیر نیست. اما طبق نظر او، شاید بهترین نقشی که خادم می‌تواند ایفا کند، مجهز ساختن خود با مطالعات دقیق و گسترده باشد. خادم باید به‌دقت از اصول اساسی اعتقادات مسیحی آگاه باشد. باید علم تفسیر را بداند. و لازم است از تاریخ کلیسا و تاریخ اندیشه مسیحی آگاه باشد.

همچنین خادم باید از تعالیم فرقه خود به‌دقت آگاهی داشته باشد و با تعالیم سایر فرقه‌ها نیز آشنا باشد. این امر سبب می‌شود که خادم بداند خودش چه می‌گوید و دیگران چه؛ در ضمن، کمک می‌کند تا پرده تعصبات برداشته شود و شخص بیشتر اهل مدارا گردد.

خوشبختانه، امروز منابع بسیار مفیدی در زمینه اصول اعتقادات مسیحیت (برای فرقه‌های مختلف)، علم تفسیر، تاریخ کلیسا، و سیر اندیشه تفکر مسیحی به فارسی تهیه شده است و مسیحیت ایرانی باید به این امر مباحثات کند. امید است این مجموعه از مقالات توانسته باشد وضعیت مسیحیت در دنیای امروز را اندکی روشن کرده و خادمین را تشویق به مطالعه و تحقیق بیشتر کرده باشد.

مسیح، مشاور نیک

بخش چهارم: مشورت مسیح به افراد خشمگین

نوشته کشیش تت استیوارت

(ترجمه لیلا طهماسبی)

”هنگامی که خشمگین می‌شوید، گناه نکنید“ (افسیسان ۴: ۲۶).

خشم، حسی است بسیار قوی که دو حالت بیش نمی‌تواند بگیرد؛ یا می‌توان آن را به جهتی سوق داد که منتهی به اجرای عدالت و پرهیزکاری گردد، یا دامی مهلک شود که ما را به اعماق تلخی و افسردگی افکند. اعضای بسیاری در بدن مسیح وجود دارند که نمی‌دانند چگونه خشم خود را مهار نمایند و موجب قطع روابط یا جریحه‌دار شدن آنها شود. یک قسمت از مشکل این است که به‌ندرت روی این بحث تعلیم داده می‌شود و آگاهی درست از کلام خدا ارائه نمی‌گردد. خشم حسی خدادادی است و به تنهایی در ذات خود، گناه نیست. ما می‌خوانیم که خدا خشمگین شد. ”خدا داور عادل است و هر روزه خشمناک می‌شود“ (مزامیر ۷: ۱۱). در اناجیل مشاهده می‌کنیم که عیسی بر کسانی که خانه خدا را به مغاره دزدان تبدیل کرده بودند، خشم می‌گیرد. پولس در مشاوره خود به ما می‌گوید، مراقب باشید هنگامی که خشمگین هستید، گناه موزید. گناه در این نیست که خشمگین می‌شویم، بلکه در این است که با خشم خود چه می‌کنیم. سلیمان با نوشته خود، این گفته را تأیید می‌کند: ”احمق تمامی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما مرد حکیم به تأخیر آن را فرو می‌نشاند“ (امثال ۲۹: ۱۱). یک مشاور مسیحی باید بداند که چه عواملی موجب خشم شده، چگونه منجر به گناه می‌شوند.

عوامل خشم

خشم موضوعی بسیار شخصی است. آنچه که یک شخص را خشمگین می‌سازد، ممکن است بر روی دیگری بی‌تأثیر باشد؛ به همین دلیل است که گاهی علت عصبانی شدن دیگران برایمان مجهول است. اما در کل می‌توانیم عوامل عمومی را که موجب خشم می‌شوند مشخص کنیم.

ضایع شدن حق

گرچه می‌دانیم که ما در مسیح برای خود زیست نمی‌کنیم (دوم قرن‌تیان ۵: ۱۵)، اما هنوز هنگامی که حس کنیم چیزی به ما تعلق داشته و از ما گرفته شده، بسیار خشمگین می‌شویم. چندین سال پیش، مردی که ساعت‌ها برفهای پارکینگی را برای پارک ماشین خود پارو می‌کرد، به شخص دیگری که آمده و ماشین خود را در آنجا پارک کرد، از شدت خشم، او را با تفنگ کشت.

جریحه‌دار شدن غرور

اخیراً با مردی در یک زمان مشخص، قرار ملاقات داشتم، اما زمانی که به آنجا رسیدم، او خانه نبود. به ناچار در منزل یکی از همسایه‌ها منتظرش ماندم. هنگامی که به خانه رسید و متوجه اشتباه خود شد، نسبت به من خشم گرفت! گاهی اوقات ما نسبت به کسانی که نقاط ضعف و یا شکست ما را نشان می‌دهند، عصبانی می‌شویم، چرا که تکبر ما با کار آنها جریحه‌دار می‌شود (یعقوب ۴:۶).

برآورده نشدن نیاز

هنگامی که وارد یک رابطه می‌شویم، این انتظار را در درون خود داریم که نیازهای ما برآورده خواهند شد. این امر در مورد روابط زناشویی بسیار صدق می‌کند. اکثر اوقات، به علت عدم رسیدگی به نیازها و برآوردن آنها، خشم بسیار زیادی بین زن و شوهرها دیده می‌شود و این امر معمولاً خود را به شکل طعنه نشان می‌دهد. مهم‌ترین علت خشم ما از آن است که حس می‌کنیم نیازهای ما برآورده نشده‌اند.

به‌هنگام دردهای روحی یا جسمی

این خشم می‌تواند در برابر شرایط و یا افرادی باشد که باعث درد شدید ما شده‌اند. من با افرادی مواجه شده‌ام که با داشتن خشم نسبت به زمانی دردناک در گذشته دور، یا نسبت به کسانی که زندگی را بر آنها غیر قابل تحمل کرده بودند، خود را از پای در آورده‌اند. هیچ‌گونه تردیدی نیست که درد، عامل اصلی خشم است.

واکنشهای متداول به‌هنگام خشم

یقین دارم همه ما با عوامل اشاره‌شده در ایجاد خشم، کم و بیش آشنایی داریم و حتی در حینی که این مقاله را می‌خوانیم، ممکن است با بعضی از آنها درگیر باشیم. سؤال بعدی این است که ”با این خشم چه باید کرد؟“ قطعاً اگر براساس کتاب مقدس با آن برخورد نشود، باعث گناه خواهد شد.

انکار

می‌توانیم خشم خود را با ریختن به درون خود، فرو بنشانیم و اجازه ندهیم هیچ‌گونه واکنش خارجی بروز دهد. بعضی از افراد با انکار خشم خود، همین کار را انجام می‌دهند؛ شاید به آنها تعلیم داده شده که یک مسیحی خوب خشمگین نمی‌شود، بنابراین از پذیرفتن خشم خود امتناع می‌ورزند. بعضی دیگر ”خواهان آرامش هستند، حال به هر قیمتی که تمام شود“؛ از ترس اینکه مبدا باعث آزار دیگری شوند، هیچ‌گاه از آنچه که باعث آزار خودشان می‌شود، حرفی نمی‌زنند. چنین افرادی معمولاً به ”مهاجمینی منفعل (غیر فعال)“ تبدیل می‌شوند؛ به این معنا که خشم خود را

رو در رو نشان نمی‌دهند. ممکن است کارهایی را که قول داده‌اند انجام دهند، "فراموش" کنند و یا برای انجام تعهدات خود دیر حاضر شوند.

پس انداز

برخی دیگر درد و آزار هایشان را پس انداز می‌کنند و سوابق فکری حساب شده خود را برای زمانی حفظ می‌کنند که یکبار همه را نقد کنند و با دیگران بی حساب شوند. اینگونه اشخاص با جزئیات کامل به یاد دارند که چگونه مظلوم واقع شده‌اند. در هر صورت، کسانی که خشم را به درون خود می‌ریزند، معمولاً به سلامت خود آسیب رسانده، دوستی هایشان را نیز به مخاطره می‌اندازند.

بروز سریع

در کفه دیگر ترازو، افراد دیگری را می‌بینیم که در ابراز خشم خود بسیار سریع هستند. آنها مانند کوه آتشفشانی می‌باشند که منفجر می‌شود و پس از فوران آتش بر سر اطرافیان خود، احساس بهتری می‌کنند. با بیان واژه‌هایی که تقریباً جنبه خود-ستایی دارند، توضیح خواهند داد که صرفاً چون صادق هستند، باید افکار خود را بیان کنند. مشکل این کار در این است که گرچه ممکن است این افراد احساس بهتری کنند، اما پشت سر خود، رد پای از روابط درهم شکسته با کسانی می‌گذارند که صرفاً از واهمه انفجاری دیگر، نمی‌توانند دوباره با آنها روراست و صادق باشند. با این توصیفات، امیدوارم برایتان روشن شده باشد که نگاه داشتن و انکار خشم و همچنین منفجر شدن و عدم حفظ حد و حدود، به گناه ختم می‌شود. در ابتدای این مقاله بیان کردیم که خشم به تنهایی در ذات خود گناه نیست و عوامل بسیاری وجود دارند که موجب خشم ما می‌شوند؛ اما نکته‌ای که دانستن آن بسیار ضروری است، این است که عکس‌العملی که ما در برابر خشم خود نشان می‌دهیم، می‌تواند ما را به گناه بیندازد. کلام خدا چه مشورتی را در مورد خشمگین بودن ولی گناه نکردن به ما می‌دهد؟

مشورت کتاب مقدس

انکار نکنیم

گرچه به نظر خیلی ساده می‌آید، اما ابتدا از اینجا شروع می‌کنیم که خشمگین شدن خود را انکار نکنیم. شخصاً این مطلب درس بسیار سختی برای من بود، چرا که همیشه تصور می‌کردم روحانی‌تر از آن هستم که بتوانم خشمگین شوم. پافشاری می‌کردم که نسبت به دیگران در مانده و یا ناامید می‌شوم اما نه عصبانی! بعداً متوجه شدم که تکبر من، مانع برخورد صادقانه‌ام با این مطلب می‌شد که من آدمی عصبانی بودم. این مکاشفه مرا کمک کرد یاد بگیرم چطور با این موضوع به طرز صحیح برخورد نمایم. سپس باید بیاموزیم با خشم خود چه کنیم. آیا آن را به درون خود به درون خود بریزیم؟ آیا بدون در نظر گرفتن دیگران، آن را بروز دهیم؟ ممکن است لازم باشد اعتراف کنیم که خشم اغلب ما را به گناه کشانده است (اول یوحنا ۱: ۱۰-۸).

حمله به مشکل، نه به فرد

در مرحله بعدی، موقعیت‌هایی را که معمولاً باعث عصبانیت شما می‌شوند و افرادی را که با آنها در تنازع هستید شناسایی کنید تا بتوانید بر اساس کتاب مقدس با آنها روبرو شوید. هر روزه قلب خود را به مسیح بسپارید. ”دل خود را به تمام نگاه دار، زیرا که مخارج‌های حیات از آن است“ (امثال ۴: ۲۳). خواسته‌های خود را به مسیح بسپارید. ”مسیح برای همه مرد تا تمام کسانی که زنده‌اند یعنی کسانی که از او زندگی جاوید یافته‌اند، دیگر برای خود و ارضای خواسته‌های خود زندگی نکنند، بلکه برای خشنودی همان کسی زندگی کنند که در راه ایشان مرد و دوباره زنده شد“ (دوم قرن‌تیان ۵: ۱۵). پس از اینکه توانستید خشم خود را کنترل کنید، توجه خود را بر روی مشکل متمرکز سازید. به عبارتی دیگر، به جای حمله به مردم، به خود مشکل حمله کنید. کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که راستی را با عشق و علاقه باید به یکدیگر گفت (افسیان ۴: ۱۵).

یکبار با شخصی که خرناسهای بسیار بلندی می‌کشید هم‌اتاق شدم، طوری که نمی‌توانستم بخوابم. صبح آن روز از دست او بسیار عصبانی بودم که تمام شب مرا بیدار نگاه داشته بود. همینکه علت خشم خود را بررسی کردم، متوجه شدم به‌خاطر این بود که به داشتن خواب خوب شب باور داشتم؛ در آن زمان بود که متوجه شدم خشم من دارد مرا به گناه وا می‌دارد و رابطه دوستی مرا خدشه‌دار می‌سازد، بنابراین تصمیم گرفتم به مشکل حمله کنم. به دوست خود گفتم که گرچه او را بسیار دوست دارم اما خرناسهای او مانع خواب من می‌شد، بنابراین ترتیبی دادم که در یک اتاق دیگر بخوابم. لطمه‌ای به دوستی ما نخورد و استراحت شبانه خوبی نیز داشتم. زمانی که بیاموزیم چگونه خشم خود را هدایت کنیم تا باعث حل مشکلات و بهبود روابط گردد، به آزادی بی‌نظیری دست می‌یابیم.

هدف منحصر به فرد زندگی شما

نوشته اریک ریز

تلخیص و نگارش: کشیش دکتر ساسان توسلی

(ترجمه لیلا طهماسبی)

بخش چهارم: قابلیت‌ها و توانایی‌های ما

این مقاله، بخش چهارم معرفی کتابی است به قلم اریک ریز (Erik Rees) به نام "S.H.A.P.E.: کشف هدف منحصر به فرد زندگی خویش و شکوفاسازی آن".

همان طور که در شماره‌های قبل اشاره کردیم، پیام اصلی این کتاب این است که خدا به‌شکلی منحصر به فرد به هر یک از ما عطاهایی ارزانی داشته است. نویسنده از سرواژه SHAPE استفاده می‌کند که مخفف حروف اول پنج کلمه است، به این ترتیب: S برای spiritual gift (عطاهای روحانی)؛ H برای heart (دل و اشتیاق)؛ A برای abilities (قابلیت‌ها و توانایی‌ها)؛ P برای personality (شخصیت)؛ و E برای experiences (تجارب). به عبارتی دیگر، همه ما که به مسیح ایمان داریم، از عطاهای روحانی منحصر به فرد، علائق و اشتیاق‌ها، توانایی‌ها، خصوصیات شخصیتی، و تجربیات زندگی‌ای بهره‌مندیم که خاص خود ما می‌باشند و ما را تبدیل به آن شخصیتی ساخته‌اند که هستیم، و نیز انگیزه‌هایی را تشکیل می‌دهند که محرک‌های ما در رفتارمان می‌باشند. لذا همه ما نیاز داریم کشف کنیم که خدا ما را چگونه ساخته، و از طریق کشف این حقیقت، پی ببریم که با زندگی و دعوت خود باید چه کنیم.

در شماره ۴۵ به بررسی موضوع دل و یا شور و اشتیاق واقعی پرداختیم. در این شماره نگاهی به قابلیت‌ها و توانایی‌ها و کشف آنچه که به‌طور خدادادی در انجام آنها مهارت داریم خواهیم پرداخت.

قابلیت‌های خدادادی ما

خدا قوت خارق‌العاده‌ای در ما به ودیعه گذاشته است. همانطور که در رومیان ۱۲:۶ می‌خوانیم، "خدا به هر یک از ما نعمت و عطایای خاصی بخشیده است تا وظایف خاصی را انجام دهیم." بنا به گفته ریک وارن: "توانایی‌های بالقوه شما به روشنی نشان می‌دهند خدا از شما در زندگی چه می‌خواهد. آنها نشانگر اراده خدا برای زندگی شما می‌باشند... خدا توانایی‌ها را نادیده نگرفته، آنها را به هدر نمی‌دهد، بلکه بین آنها و آنچه که او ما را فرا خوانده تا در زندگی خود انجام دهیم، مطابقت ایجاد می‌کند."

چند لحظه با خود فکر کنید که به چه کاری علاقه دارید، کارهایی که با اطمینان خاطر آنها را به خوبی انجام می‌دهید. این مرور به شما کمک می‌کند تا راههای خاصی را برای محبت به دیگران پیدا کنید. در طول زندگی خود چیزهایی را کشف می‌کنید که به‌طور غریزی علاقه خاصی به انجام آنها دارید. در مقابل، مواردی نیز هستند که زندگی‌تان بدون انجام آنها نیز می‌گذرد. وقتی کاری را با علاقه انجام می‌دهید، بیشتر برایتان شبیه سرگرمی می‌شود و زمانی که فرصتی برای انجام آن دست می‌دهد، بی‌صبرانه منتظر شروع آن خواهید بود. آنها خسته‌کننده و وقت‌گیر به نظر نمی‌رسند، به‌طوریکه اطرافیان‌تان ممکن است بگویند که شما آن کار را آنقدر با شادی و علاقه و براحتی انجام می‌دهید که گویا انجام آن هیچ زحمتی ندارد.

این شادی و آرامش می‌تواند بر چگونگی استفاده شما از عطایا و توانایی‌هایتان برای خدمت به دیگران تأثیر بگذارد. رابین چدک در کتاب خود به نام «کشف وظایف الهی شما» می‌پرسد: «آیا تا بحال برایتان پیش آمده که کسی به شما بگوید: «خیلی ممنون»، و شما در پاسخ بگویید: «اما من که کاری نکرده‌ام»؟... مردم توسط خدا و از طریق شما شفا می‌یابند فقط به دلیل اینکه شما آنچه را انجام داده‌اید که خدا می‌خواسته انجام دهید، و آن شخصی بوده‌اید که او می‌خواسته باشید، نه به خاطر آنچه که شما فکر می‌کنید باید باشید و انجام دهید تا دنیا از آن بهرمند شود.»

از خود سؤال کنید

بنابراین سؤالی که از بایستی از خود بپرسید این است: «در چه کارها و زمینه‌هایی به‌طور طبیعی (خدادادی) بهتر عمل می‌کنم؟» آیا شما کسی هستید که علاقه دارد به سایرین الهام بخشد؟ آیا خلاقیت فکری یکی از روشهای کاری شما است؟ آیا علاقه دارید با دست‌هایتان کار کنید؟ آیا استعداد موسیقی در شما نهفته است؟ آیا بعنوان سازمان‌دهنده گروه شهرت دارید؟ برای هر آنچه که به‌طور غریزی در انجام آن خوب هستید و علاقه دارید، راهی پیدا کنید تا آن را برای خدا به کار گیرید!

شاید همین اکنون شما از عطایای خدادادی خود برای او استفاده می‌کنید. اگر چنین است، خدا به شما برکت بدهد! اما آیا هیچ گاه فکر کرده‌اید شاید خدا چیزهای بیشتری برای شما در نظر دارد؟ آیا مشتاق دریافت بیشتر هستید؟ شاید سخن خدا به شما این باشد: «ای محبوب من، وسیع شو و رشد کن!» مادامی که بدنبال اراده و هدف خدا باشیم، او هیچ گاه از نشان دادن آن به ما باز نمی‌ایستد. ما خلق شده‌ایم تا برای خدا به کار گرفته شویم.

بدون داشتن امید و انتظار برای آنکه در جهت هدفی که بالاتر از خود ماست مورد استفاده قرار بگیریم، روزها بسیار طولانی می‌شوند و زندگی نیز طولانی و کسل‌کننده خواهد شد. هدف از مرور نکات قوت و علاقه شما این نیست که اعتماد به نفس خود را با اشاره به شایستگی‌های خود بالا ببرید، بلکه هدف یادآوری شایستگی مطلق خدا برای به کارگیری مخلوقات خود است. در قوت و توانایی‌های ما جلال و عظمت خدا دیده می‌شود.

ما بیشتر اوقات به منظور حفظ رویه زندگی‌ای که در پیش گرفته‌ایم، تمام توجه خود را تنها متمرکز کاری می‌سازیم که تصور می‌کنیم باید انجام دهیم، یا حتی تحت هر فشار هم که شده آن کار را ادامه دهیم. اما زمانی که

انجام کارهایی را در پیش می‌گیریم که خدا ما را برای انجام آنها به‌طور خاصی طراحی کرده، از بار این فشارها آزاد می‌شویم. ضروری است که عطایا و توانایی‌هایی را که خدا به شما ارزانی داشته مجدداً ارزیابی کنید، اما این بار برای درک هدف فناپذیر و لایزال خدا و شرایط زندگی که او شما را در آن قرار داده است. آنچه که کشف می‌کنید، می‌تواند شما را آزاد کند و درها را به روی خدمتی جامع و گیرا برایتان باز کند که هیچ‌گاه تصورش را نمی‌کردید.

به خدا پاسخگو هستیم

بسیار آسان است که در پی مشغله‌های زندگی روزمره، استعدادهای خدادادی خود را فراموش کنیم، اما یک روز تک تک ما در حضور خدا خواهیم ایستاد و باید پاسخگو باشیم که با آنها چه کردیم. بنابراین زمان استفاده از استعدادها و توانایی‌ها همین الآن است! زندگی کوتاه‌تر از آن است که نخواهیم نهایت تلاش خود را برای خدا بکنیم. آرتور میلر می‌نویسد: ”در نظر داشته باشید که شما در برابر آنچه که او در شما به ودیعه گذاشته تا با آن کار کنید، مسؤول هستید.“ اندرو ماری، واعظ بزرگ قرن نوزدهم، این مقایسه را به عمل آورده است: ”من قلمی در جیب خود دارم. این قلم خود را کاملاً به وظیفه‌اش که همانا نوشتن است وقف کرده، و همچنین به دست من، البته به شرط اینکه بخواهم به طرز صحیحی با آن بنویسم. حال اگر شخص دیگری قسمتی از آن قلم را در دست بگیرد، دیگر من نمی‌توانم با آن بنویسم.“ به همین منوال، اگر ما جلو استعدادها و توانایی‌هایی را که خدا در بدو تولد در ما به ودیعت نهاده بگیریم و یا برای هدف‌هایی غیر الهی از آنها استفاده کنیم، هیچ‌گاه از آنها به حد کمال استفاده نخواهد شد.

فهرست توانایی‌ها

فهرستی از توانایی‌های بسیار متعارف در ذیل ذکر شده؛ این فهرست طبعاً کامل نیست. تمام توانایی‌ها برای خدا ارزش دارند و از دیدگاه او همگی از اهمیت یکسانی برخوردارند. کارهایی را که در ذیل ذکر شده مد نظر قرار دهید و قابلیت‌های غریزی خود را که در آنها مهارت و علاقه بیشتری دارید کشف کنید.

مدیریت؛ تجزیه و تحلیل کردن؛ کارهای عملی؛ مربی‌گری؛ ارتباط برقرار کردن؛ حسابداری؛ ایجاد پیوند؛ مشورت؛ آشپزی؛ هماهنگ کردن؛ مشاوره؛ تزئین کردن؛ طراحی؛ کارگردانی؛ ویرایش؛ تشویق؛ مهندسی؛ کمک‌رسانی؛ ترغیب کردن؛ رهبری کردن؛ یادگیری؛ ارشاد کردن؛ انگیزش دادن؛ نظم دادن؛ به‌کار گرفتن افراد؛ تعمیر؛ پژوهش؛ ابتکار؛ خدمت؛ تعیین خط‌مشی؛ تعلیم؛ ترجمه؛ نگارش.

چند سؤال برای کشف توانایی‌های خدادادی خود

آیا می‌دانید با چه توانایی‌هایی به دنیا آمده‌اید؟ اگر جواب شما منفی است، پاسخگویی به سؤالات زیر می‌تواند شما را کمک کند. در ضمن مرور هر توانایی، خود را نیز بر اساس این که علاقه شدید به انجام آن کار دارید، آن را دوست دارید، یا برایتان اهمیتی ندارد و بدون انجام آن نیز می‌توانید زندگی کنید، درجه‌بندی کنید. هدف، باز کردن آغوش شما به روی کارهایی است که اشتیاق به انجام آنها دارید، نه تنها کارهای که از عهده‌تان بر می‌آید.

بیشترین اشتیاق را فقط به آن احساس می‌کنید

نمی‌توانید زندگی را بدون این فعالیت‌ها تصور کنید. آنها تکمیل‌کننده روز شما می‌باشند. اگر حق انتخاب داشتید، آنها را به‌طور تمام وقت انجام می‌دادید. از طریق این قابلیت‌ها است که به نیازهای انبوه مردمی رسیدگی خواهید کرد که در شماره ۴۵ خود را با آنها نزدیک احساس کردید. آنها می‌توانند جزیی از شغل شما باشند اما نه الزاماً. شغل و حرفه شما می‌تواند خیمه‌دوزی باشد، همان کاری که پولس رسول انجام می‌داد. اگر از کار و حرفه تمام‌وقت خود ناراضی باشید، به‌محض اینکه کاری را پیدا کردید که به آن بیشترین علاقه را دارید، آن را حرفه و شغل خود خواهید ساخت.

فقط آن را دوست دارید

ممکن است از انجام این گونه فعالیت‌ها لذت ببرید، اما لزومی نمی‌بینید برای حس رضایت خود آنها را مرتباً انجام دهید. عکس‌العمل شما نسبت به آنها چنین است: ”یا می‌توانم آن را قبول کنم و یا از کنارش بگذرم.“ ممکن است از انجام آنها لذت ببرید، اما واقعاً علاقه و اشتیاقی به آنها نمی‌ورزید.

برایتان اهمیتی ندارد

این‌گونه فعالیت‌ها در مقایسه با آنچه که اشتیاق به انجامش را دارید، باعث احساس یأس و سرخوردگی شما می‌شوند. زمانی که شرایطی پیش می‌آید که مجبورید این قبیل کارها را انجام دهید، اولین واکنش شما کنارگیری از آنها است؛ و در صورتی که به‌طور مداوم مجبور به حمل بار آن مسئولیت‌ها باشید، احساس درماندگی به شما دست خواهد داد. گر چه ممکن است آنها را با کارایی انجام دهید، اما انگیزه‌ای که شما را بسوی آنها سوق دهد، یا وجود ندارد یا بسیار ناچیز است.

بنا به گفته میکل آنژ: ”خطری که اکثر ما را تهدید می‌کند این نیست که هدف ما بسیار مرتفع و عالی است که به آن دست نمی‌یابیم، بلکه مشکل بزرگتر این است که هدف ما آنقدر خرد و ناچیز است که به آن دست می‌یابیم.“ لازم است بدانید که توانایی‌های ”غریزی“ ما همانند عطایای روحانی، هدایایی هستند از جانب خدا. ما باید آنها را کشف کرده، برای جلال و اهداف خدا در زندگی خود به کار گیریم. یک روش برای انجام آن، این است که اجازه

دهید قابلیت‌هایتان از طریق شخصیت بی‌نظیری که خدا تنها به شما ارزانی داشته، همچون نوری به بیرون بدرخشند. گاهی وسوسه می‌شویم خود را شبیه دیگران سازیم، اما با این کار خدا، دیگران، و خود را فریب داده‌ایم. خدا مأموریت خاصی دارد که تنها توسط شما اجرا می‌شود، بشرط آنکه در جا و شخصیت خود عمل کنید. در شماره بعدی به موضوع شخصیت خواهیم پرداخت.

به‌مناسبت درگذشت زنده‌یاد، کشیش سُبْحانی

به قلم کشیش منصور خواجه‌پور

”و او بخشید ... بعضی مبشران، بعضی شبانان و معلمان را برای تکمیل مقدسان، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح.“ (افسیان ۴: ۱۱-۱۲)

کریسمسی که پشت سر گذاشتیم، روز بسیار ویژه‌ای برای برادر گرامی‌مان شادروان کشیش پطرس (سید آقا) سُبْحانی بود. در روز ۲۵ دسامبر ۲۰۰۷ این پدر و برادر گرامی میلاد عیسی مسیح را به همراه فرشتگان مقدّسش در آسمان جشن گرفتند. در این سالروز میلاد مسیح، کشیش سُبْحانی در سن ۹۲ سالگی زندگی کوتاه زمینی را به مقصد حیات ابدی ترک گفتند و برای همیشه از محدودیت‌های زندگی زمینی رها گشتند. این همسر، پدر، برادر، معلم، مبشر و کشیش عزیز در ژانویه سال ۱۹۱۵ میلادی در شهر شیراز دیده به جهان گشودند و در جوانی چشم دل باز کرده، تمام وجود خود را به عیسی مسیح سپردند. در این گزیده کوتاه نگاهی اجمالی داریم بر زندگی پر بار ایشان. باشد که با به یاد آوردن زندگی این مرد خدا، مایانی که شاید چند صباح دیگر وقت داریم تا به دیدار معشوق بشتابیم، از زندگی او درس گرفته، در خدمت خود راسخ‌تر گردیم.

ایمان و دل‌سپردگی کشیش سُبْحانی به مسیح باعث شد که از همان عنفوان جوانی، روز و روزگار خود را در خدمت به مسیح سپری کند، خدمتی که هیچگاه از آن خسته‌خاطر نشد بلکه با ایمانی وفادارانه، همه روزه برای خدمت به خدا و قوم او تلاش کرد. خیلی زود پس از مسیحی شدن، تعصّب مذهب پیشین ایشان، تبدیل به غیرتی عظیم برای خداوند گردید، غیرتی که مسیر زندگی ایشان را به‌کلی عوض کرد و از او خادمی امین برای کلیسای خدا در میان ایرانیان ساخت.

حوزه خدمت ایشان دایره وسیعی داشت. ایشان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، برای مدتی به‌عنوان مبشر کلیسای اسقفی ایران در بیمارستان حضرت لوقای اصفهان خدا را خدمت می‌کردند. بیمارستان حضرت لوقا، در دوران پیش از انقلاب اسلامی، مرکزی بود برای درمان بیماریهای جسمی و روحانی افراد بی‌بضاعتی که از همه‌جا خود را رانده و محروم می‌دیدند. دعا برای شفای بیماران، کمک در جهت بهبودی جسمی مریضان، جزء ساده‌ترین کارهایی بود که یک مبشر در بیمارستان بر عهده داشت.

پس از ازدواج، به اتفاق همسرشان (خواهر هیلدا) به تهران عزیمت کردند و رسماً به‌عنوان مبشر و مسؤول کتابخانه نور به استخدام کلیسای انجیلی در آمدند. در آن کلیسا بود که آموخت چگونه رخت سفر بسته و بارها از خانه و کاشانه خود دور شده، در شهرها و روستاها سفر کرده، تا شاید بدینوسیله بتواند یک نفر دیگر را به خانواده خدا نزدیک گرداند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این سفرها، حفظ قناعت و زندگی ساده بود. کشیش سُبْحانی،

سالهای زیادی به همراه دکتر میلر و سایر میسیونرها برای تبشیر کلام خدا به شهرهای مختلف ایران سفر نمودند. کشیش مهدی عبهری می‌گویند که خوب به یاد دارند چگونه شصت سال پیش، از دیدن این خادمین فداکار در شهر دامغان لذت می‌بردند و برکت می‌یافتند. برادر سُبْحانی، در خلال این سفرهای بشارتی (حتی در زمان حکومت پیشین ایران) بارها جفا دیدند ولی لب به اعتراض نگشودند. چندین بار بازداشت به بهانه‌های گوناگون مانع سفرهای آتی ایشان نشد. یکی از خاطراتی که ایشان بارها با خوشی از آن یاد می‌کردند، بازداشت در شهر قم به‌هنگام توزیع کتابچه‌های مسیحی بود. نویسنده به خوبی به یاد دارد که چگونه کشیش سُبْحانی با لبخند آرامی از خاطره کتک خوردنش در قزوین یاد می‌کردند. ولی هیچکدام این اتفاقات باعث نشد که ایشان از بیان مژده نجات خدا خودداری نمایند.

در اوائل انقلاب ایران، هنگامی که برای تبشیر کلام به همراه یکی دیگر از اعضای کلیسای انجیلی به میدان ژاله رفته بودند، توسط عده‌ای به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت که بعدها همین امر موجب نابینایی وی گردید. در اوائل دهه ۱۹۸۰ به اتفاق همسرشان، به شهر نیویورک عزیمت نموده، بلافاصله خدمت خود در میان ایرانیان آمریکا را آغاز کردند. در سال ۱۹۸۴ با تأیید شورای کلیساهای انجیلی ایران و توسط کلیسای پرزبیتری در ایالات متحده آمریکا به سمت مقدس کشیشی دستگذاری شدند. ایشان با تلاشی خستگی‌ناپذیر، تحت هدایت روح‌القدس، کلیساهای زیادی را پایه نهادند. از جمله کلیساهایی که ایشان پایه‌گذاری نمودند، می‌توان به کلیساهای ایرانی نیویورک، کنتیکت، فیلادلفیا، واشنگتن دی‌سی، شیکاگو و آتلانتا اشاره کرد. انگار خوانده‌شدگی ایشان این بود که مانند مولای خود شهر به شهر بگردد و انجیل را موعظه کند. علاوه بر کلیساهای ایرانی در این شهرها، کلیساهای ایرانی و آمریکایی دیگری نیز در شهرهای دیگر از کشیش سُبْحانی برای موعظه، تدریس و شهادت دعوت به عمل می‌آوردند. در مراسم یادبود ایشان عده بی‌شماری از شهرهای مختلف آمریکا شرکت کردند تا به ایشان اداری احترام نموده، از خدمات ایشان در شهر خود تقدیر نمایند.

دو روز پس از خوابیدن در خداوند، بدن زمینی ایشان را در تابوتی بسیار ساده نهادیم، به آسمان نگرستیم و با سرابیدن سرود «شاد باش ای روح» با ایشان وداع کردیم. پیغامهای تسلی‌بخش بی‌شماری از خادمین، ایمانداران، دوستان، کلیساها و سازمانهای مختلف دریافت کردیم. علاوه بر اینها، انجمن کلیساهای و مشارکت‌های انجیلی در آمریکای شمالی، مراسم یادبود باشکوهی در روز یکشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ در کلیسای ایرانیان واشنگتن دی‌سی برگزار نمود. در انتهای این مراسم که با حضور خانواده ایشان و بالغ بر یکصد نفر از مؤمنین و خادمین عیسی مسیح برگزار شد، کتابخانه‌ای به نام و یاد خدمات گرانقدر این برادر عزیز وقف شد. تا کنون صدها جلد کتاب نایاب و یا کمیاب مسیحی فارسی به کتابخانه کشیش سُبْحانی اهداء شده است و نیز عده زیادی با ارسال هدایای نقدی و چک، مراتب احترام خود را به ایشان ابراز نمودند. تا کنون مراسم بسیاری به یادبود زندگی ایشان در آمریکا، اروپا و ایران برگزار شده است.

بی‌تردید اگر مرگ مقدس‌ان خداوند در نظر او گرانبها می‌نماید، غیبت این چنین افراد امین از کلیسا، خصوصاً کلیسای ایرانی امری بسیار دشوار است. ولی امید پر جلال ما، یعنی عیسی مسیح که وعده‌دهنده امین است، ما را به

سوی خود می‌خواند تا در آرامی او داخل شود. این خادم کهنه‌کار، کهنه‌سربازی دلیر و منظم بود که از زمان لیبیک گفتن به دعوت الهی جهت موعظه انجیل نجات‌بخش خداوندمان عیسی‌ای مسیح تا روز ۲۲ دسامبر ۲۰۰۷ که آخرین موعظه خود را از طریق خط تلفن ایراد کرد، از خدمت بنا، اصلاح، تشویق در فرصت و غیر فرصت از طریق موعظه کلام باز نماند و یادگاری از پشتکار، شجاعت و وفاداری برای خادمان جوان ایرانی از خود به جا گذاشت.

مجله شبان

مؤسسه "تعلیم" تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۴۷، سال نهم، فوریه ۲۰۰۸

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان

فهرست مطالب

- کلیسای خانگی: اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی
بخش چهارم (تت استیوآرت)
● بدعت‌های مربوط به تثلیث
بخش نخست: مقدمه (فریبرز خدانی)
● آشنایی با فرقه‌های مسیحیت
بخش دهم و آخر: جمع‌بندی
(آرمان رُشدی)
● مسیح مشاور نیک
بخش چهارم: مشورت مسیح به افراد خشمگین (تت استیوآرت)
● هدف منحصر به فرد زندگی شما
بخش چهارم: قابلیت‌ها و توانایی‌های ما (تلخیص و نگارش: دکتر ساسان توسلی)
● به‌مناسبت درگذشت زنده‌یاد، کشیش سبحانی (منصور خواجه‌پور)

دفتر مجله:

Talim Ministries, Inc
P.O.Box 471736
Aurora, Colorado, 80047-1736
U.S.A.
e-mail: Tatstewart@Comcast.net
Website: www.Talimministries.com

کلیسای خانگی

بخش چهارم: اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی

از کشیش تَت استیوارت

(ترجمه لیلا طهماسبی)

کلیسای خانگی طبیعی‌ترین راه برای گسترش و رشد مسیحیت در طول دوره‌ها بوده است. در قرن اول، اگر نشانی کلیسایی را می‌خواستید، نشانی یک خانه را به شما می‌دادند. امروزه شاهدیم که تعداد کلیساهای خانگی به علت انعطاف‌پذیری آنها به سرعت در حال افزایش است؛ مردم در جَوّی غیر رسمی، در خانه‌ای جمع می‌شوند و عامل اصلی که آنها را کنار یکدیگر نگه می‌دارد، رابطه بین آنهاست نه ساختمان محل تجمع. آنها با مشکل هزینه‌های مالی روبرو نبوده، به راحتی می‌توانند در محیط‌های مختلف قرار گیرند. مانند آب می‌توانند در هر ظرفی جاری شوند و بدینگونه خود را با محیط‌های گوناگون وفق دهند و حیات، انرژی و زنده‌دلی مسیح را به ارمغان آورند.

اکثر اوقات این کلیساها بهترین مکان برای غیر ایمانداران می‌باشند تا در محیطی امن و بدون مخاطره با مسیح آشنا شوند. همچنین محیطی بسیار طبیعی برای نوایمانان است تا آموزش لازم برای شناخت خدا را در آنجا دریافت کنند. برای تأسیس این کلیساها نیازی به روحانیون دوره‌دیده در سطوح بالا نیست، بلکه رهبران کلیسای خانگی که خود آموزش گرفته و می‌خواهند تحت قدرت کلام خدا و هدایت روح القدس، به رهبرانی شایسته تبدیل شوند، رهبری این کلیساها را به عهده می‌گیرند.

اما درست همان خصوصیتی که قوت کلیسای خانگی محسوب می‌شود، می‌تواند باعث سقوط آن گردد. چرا که بسیاری از کسانی که این کلیساها را هدایت می‌کنند از رهنمودهای کتاب مقدس برای شکوفا شدن کلیسای عیسی مسیح و آشکار شدن پادشاهی خداوند، هیچگونه آگاهی ندارند. رهبران جدید بیشتر تمایل به تکرار عملکردهای موجود دارند تا توصیف و اجرای حقیقتی که در خبرخوش آمده است. با در نظر داشتن این مطلب، بیابید نگاهی عمیق‌تر بیفکنیم به آن اصول اساسی که یک کلیسای خانگی مبتنی بر کتاب مقدس، باید بر آنها بنا شود تا در برابر طوفانهای اجتناب‌ناپذیر استوار بماند.

مسیح، سر کلیسا

اجازه دهید مسیح به‌عنوان سر کلیسای خانگی حکم‌فرمایی کند: ”و او بدن یعنی کلیسا را سر است“ (کولسیان ۱:۱۸). کلیسای خانگی فرا خوانده شده تا تحت فرماندهی مسیح گرد هم آید، نه بر اساس جذبه روحانی فردی که رهبری را به عهده گرفته است. پولس در افسسیان از کلیسایی سخن می‌گوید که در اثر امواج تعالیم مردمانی

حیله‌اندیش و مکار به عقب و جلو رانده می‌شدند. آنها با راه‌های فریب‌آمیز خود، مشارکتی از اطفال به‌وجود آورده بودند. "بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیزی ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح" (افسیسیان ۱۵:۴). من قطعاً باور ندارم که اکثر رهبران کلیسای خانگی عمداً بخواهند باعث گمراهی گله‌هایشان شوند، اما زمانی که مسیح به‌عنوان سر بدن شناخته نشود، ناخودآگاه این اتفاق خواهد افتاد. با دیدن کار خدا در زندگی دیگران، به راحتی می‌توان تحت تسخیر هیجان آن قرار گرفت و آمدن افراد به سوی مسیح را به حساب رهبری خود گذاشت. موفقیت در خدمت باعث سرخوشی می‌شود؛ بنابراین لازم است که تمرکز کلیسای خانگی خود را روی مسیح حفظ نماییم. چندین روش عملی برای اداره گردهمایی کلیسای خانگی، به طریقی که اقتدار و فرمانروایی مسیح را عزت بخشد، در زیر آمده است:

- پیشاپیش، برای تمامی حاضرین دعا کنید، از مسیح بخواهید که در جمع شما با قدرت حاضر باشد و شما را محافظت نماید.
- تمامی جلسات را با پرستشی شروع کنید که روی شخصیت خداوند تکیه می‌کند؛ به‌طور مثال، بسیاری از خصوصیت‌های خداوند در مزامیر ۱۴۵ آمده است که می‌توان آنها را شناسایی کرده، در نیایش خود از آنها استفاده کنیم.
- در مقام یک رهبر، خود را کاملاً به مسیح سپرده، با قلبی خادم حضور یابید.
- با قائل شدن مرجعیت نهایی برای کلام خدا در برابر هر عقیده و رسمی، به مسیح جلال بخشید.
- حضور مسیح را انتظار بکشید، نگاهتان بر او باشد و برای گرفتن رهنمود، به کلام او رجوع کنید و سپس تمامی نیازها را به‌صورت دعای شفاعت در حضور او بلند کنید.

کهنات همه ایمانداران

یاد بگیرید برای کهنات ملوکانه همه ایمانداران خوشحالی کنید و از آن تجلیل به‌عمل آورید: "لکن شما قبيله برگزیده و کهنات ملوکانه هستید" (اول پطرس ۲:۹). معنای کاهن در مفهوم تاریخی آن، به معنی شخصی است که خدا را به مردم می‌شناساند و نیازهای ایشان را در قالب دعای شفاعت به نزد خدا می‌برد. پادشاهمان عیسی مسیح، کاهن اعظم کامل است؛ چرا که او خدای نادیده را بر ما آشکار می‌سازد و با بردن گناهان ما بر روی صلیب، ما را بی‌عیب به حضور خدایی می‌برد که خود مقدس است. در طی تاریخ اولیه کلیسا، گروهی متشکل از کشیش‌ها یا مردان روحانی به‌وجود آمد که به‌منظر می‌رسید رابطه نزدیکتری با خدا دارند و می‌توانند به‌عنوان کسانی که کلام خدا و حقیقت را بیان می‌کنند، مسیحیان سطوح میانی را خدمت کنند. در دوره اصلاحات، بسیاری از حقایق از دست‌رفته کتاب مقدس، بازیابی شد. یکی از آن حقایق، کهنات همه ایمانداران است. این حقیقت به ما می‌آموزد که همه ایمانداران وظیفه خدمت در کلیسای مبتنی بر کتاب مقدس را دارند. اما به این معنی نیست که همه ایمانداران می‌توانند هر کاری را در بدن مسیح انجام دهند، زیرا عطایای روحانی گوناگونی وجود دارد که منجر به خدمت در

زمینه‌های گوناگون می‌شود و همچنین میزان رشد و بلوغ در مسیحیت، مراحل مختلفی دارد که با توجه به آن، شخص صلاحیت لازم برای خدمت را کسب می‌کند. اما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که منظور این است که همه ما می‌توانیم برای یکدیگر دعا کنیم و تعلیمی را که از کتاب مقدس می‌گیریم، با یکدیگر در میان بگذاریم. همچنین بدین معناست که کلیسای خانگی سالم، مکانی است که همه برای کمک و خدمت به یکدیگر جمع می‌شویم و این خدمت جزء اختیارات شخصی عده به‌خصوصی نیست. چندین راه که به کمک آنها می‌توانید کهنات همه ایمانداران را در کلیسای خانگی شکوفا سازید، عبارتند از:

- هنگام پرستش، تا حد امکان تعداد بیشتری از مردم را در این امر شرکت دهید. به‌طور مثال، با دعوت آنها به خواندن یک مزمور، ذکر آیه‌ای در باره خصوصیات خاص خداوند و یا مشارکت در دعاها و نیایشی، این کار را می‌توانید انجام دهید.
- از روشی گروهی برای مطالعه کتاب مقدس استفاده کنید. یک الگوی مفید این است که به‌ترتیب با دعوت هر شخص به خواندن یک آیه، متن را با هم بخوانید. از تک تک افراد بخواهید آیه‌ای را که بر قلب یا فکر آنها بیشتر نشسته است، با دیگران در میان بگذارند. سپس از گروه بخواهید فهرستی از سوالات در رابطه با متن خوانده‌شده تهیه نمایند و سایر افراد را تشویق کنید با توجه به آیات مذکور، سؤالها را پاسخ دهند. در انتها، در مورد چگونگی کاربرد آن حقایق با هم صحبت کرده، برای یکدیگر دعا کنید.
- زمانی را به این اختصاص دهید که اعضای کلیسای خانگی خود را به گروه‌های سه نفره تقسیم کنید. از هر یک از آنها بخواهید یک موضوع که باعث شادی آنها در خداوند می‌شود و یک ناراحتی از زندگی خود را در گروه مطرح سازند و برای یکدیگر دعا کنند.

در شماره آینده، در باره خصوصیات اساسی کلیسای خانگی بر اساس کتاب مقدس بحث خواهیم کرد.

بدعت‌های مربوط به تثلیث

از کشیش دکتر فریبرز خدانی

بخش اول: مقدمه

ما مسیحیان به تثلیث مقدس معتقدیم. تقریباً همه مسیحیان ایرانی به تثلیث اعتراف می‌کنند و التزام دارند. می‌گوییم تقریباً، به این جهت که در میان مسیحیان ایرانی و گروه‌هایی که خود را مسیحی معرفی می‌کنند، افرادی نظیر شاهدان یهوه هم وجود دارند که بالکل الوهیت و ازلیت عیسی را انکار می‌نمایند؛ یا به‌تازگی گروه دیگری در ایران پدیدار شده است که در مغرب‌زمین با نام Oneness Pentecostal یا United Pentecostal (پنطیکاستی‌های یگانه‌باور) فعالیت می‌کنند که می‌گویند پدر و پسر و روح‌القدس، سه شخص متفاوت و متمایز از یکدیگر نمی‌باشند، بلکه سه نقاب و چهره مختلف از یک شخص به حساب می‌آیند؛ و اینکه خدا خود را در عهدعتیق به‌عنوان پدر، و در عهدجدید به‌عنوان پسر، و در این ایام آخر با چهره روح‌القدس معرفی و نمایان کرده است. نام کارشناسانه این بدعت "مودالیزم" (Modalism) می‌باشد که کنایه به سه وجه (Mode) است که این بدعت برای الوهیت قائل می‌باشد.

وظیفه دشوار خادمین

باید اذعان داشت که آموزه تثلیث، یکی از مشکل‌ترین آموزه‌های مسیحیت است و ما شبانان و معلمین کلام نیز چه بخواهیم و چه نخواهیم، عهده‌دار وظیفه تبیین، تشریح و توضیح این آموزه هستیم. از یک سو، همین مشکل بودن این آموزه، باید ما شبانان و معلمین کلام را تشویق کند که در پیرامون این موضوع بفرنج و سنگین بیشتر مطالعه و دقت کنیم. از سوی دیگر، باید این واقعیت را از نظر دور نداشت که درصد قابل توجهی از جامعه ایرانی از تحصیلات دانشگاهی برخوردار می‌باشند و پرسش‌هایی که جامعه جدید حق‌جو مطرح می‌کند، به مراتب عمیق‌تر و جستجوگرانه‌تر از پرسش‌های والدین آنهاست و بالطبع در خور پاسخ‌های کارشناسانه و عمیق‌تری می‌باشد. این عامل دوم نیز، به خودی خود، باید برای ما معلمین و شبانان انگیزه‌بخش مطالعه و تفکر بیشتر باشد. به عبارت دیگر، خدا از ما دعوت کرده است که موضوع مشکلی چون تثلیث اقدس را برای شاگردان تیزهوش و نکته‌سنجی همچون جامعه حق‌جوی کنونی ایرانی تشریح کنیم، دعوتی که باید آن را جدی گرفت.

اجتناب از راه‌حل‌های ساده‌اندیشانه

با توجه به این دو عامل، لازم است که پیش از هر چیز، از راه‌حل‌های ساده‌اندیشانه دوری نماییم. یکی از این راه‌حل‌های ساده‌انگارانه، توسل جستن به مثال‌های کلیشه‌ای است. فکر می‌کنم که همه ما مثال آب و یخ و بخار، یا شوهر و پدر و فرزند، و یا شاید خودمان نیز از این مثالها بهره جسته باشیم و حتی شعر معروف هاتف اصفهانی را برای حق‌جویان تکرار کرده‌ایم که "سه نگردد بریشم ار او را پر نیان خوانی و حریر و پرند". حال آنکه قبل از هر چیز باید دانست که این مثالها، علاوه بر ضعیف بودن و مناقشه‌پذیری‌شان، در پیش فرض اولیه خود، دچار انحراف

مُدالیزم هستند. یعنی اینکه مثالهای فوق، سه اقنوم را یکی پنداشته و صرفاً آنها را سه چهره متفاوت از یک عنصر قلمداد می‌کنند و به این ترتیب اصل تلفیق میان اقاییم را مورد انکار قرار می‌دهند. از جانب دیگر، ممکن است جواب‌های ساده‌اندیشانه ما، شنونده را به این وهم دچار سازد که ما مسیحیان ادعا می‌کنیم که می‌توان خدا را درک و تعریف و تفسیر کرد که البته هیچ مسیحی عاقلی این ادعا را نمی‌کند.

اهمیت آگاهی از فلسفه

باید دانست که فلسفه و بحث‌های فلسفی، بازی خطرناکی است که بازیگر ناشی را به سرعت و به آسانی در دام سخنان ناسنجیده خود گرفتار خواهد ساخت. هیچ چیز بدتر از علم بدون عمل نیست، و از غیرت خالی از اندیشه‌گری چیزی خطرناکتر وجود ندارد. هدف ما این نیست که علم بی‌عمل را پیشه کنیم، لیکن باید تا حد امکان غیرتمان در امر بشارت، توأم با دانش و آگاهی باشد. لذا پیش از هر چیز به شبانان محترم و همکاران عزیزم توصیه می‌کنم که کمی خود را با علم فلسفه آشنا سازند. به این منظور مطالعه "تاریخ فلسفه" نوشته فردریک کاپلستون را (که چند جلد آن به فارسی هم ترجمه شده است) توصیه می‌کنم. پدر کاپلستون یک کشیش کاتولیک بود و کتاب تاریخ فلسفه را برای استفاده از دانشجویان علوم الهی نگاشته است. همچنین آثاری نظیر "سیر حکمت در اروپا" نوشته محمدعلی فروغی، یا "تاریخ فلسفه" نوشته ویل دورانت، برای شروع کار بسیار مهم خواهد بود.

اهمیت آشنایی با تاریخ تفکر مسیحی

ولی جدا از علم فلسفه، آشنایی با تاریخ تحول تفکر مسیحی و شکل‌گیری مسیح‌شناسی و آشنایی با روند شکل‌گیری آموزه تثلیث به ما کمک خواهد کرد تا ابتدا خود این آموزه اساسی مسیحیت را درک کنیم و سپس ابزار فکری و کلامی لازم جهت تشریح و تبیین این آموزه را در دست داشته باشیم. چند سالی است که آقای روبرت آسریان، کتاب مفیدی تحت عنوان "تاریخ تفکر مسیحی" را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند که مطالعه آن را به دوستان عزیزم توصیه می‌کنم.

در باره بدعت‌های تثلیث

با توجه به حساسیت موضوع، و بنا به تقاضای سردبیر محترم مجله، از این شماره به بعد، به مدت چند شماره، یک سلسله مقالاتی راجع به بدعت‌های تاریخی را که در مخالفت با تثلیث قد علم کرده‌اند، خدمت شما همسنگران گرامی معرفی خواهم کرد. در این مجموعه مقالات سعی بر این خواهد بود که این بدعت‌ها و عواقب سوء آنها را از نقطه نظر مراقبت شبانی و دیدگاه عطوفت شبانی بررسی و تفسیر کنم. امیدوارم که مورد توجه شما دوستان قرار بگیرد.

آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش دهم و آخر: جمع‌بندی

نگارش: آرمان رُشدی

در شماره‌های گذشته، طی نُه مقاله، به بررسی آراء و عقاید و آیینهای اکثر فرقه‌های مسیحیت پرداختیم. در این شماره، ضمن جمع‌بندی مطالب گذشته، به ارائه تصویری کلی از وضعیت کنونی مسیحیت خواهیم پرداخت. کلیساها را امروزه می‌توان به دو گروه مشخص و متمایز تقسیم کرد. یک گروه، کلیساهای باستانی و سنت‌گرا است (نظیر کلیساهای کاتولیک و ارتودکس)، و گروه دیگر مجموعه کلیساهای پروتستان.

بنیاد اعتقادات کلیساهای سنت‌گرا

کلیساهای سنت‌گرا عمدتاً عبارتند از کلیساهای کاتولیک، ارتودکس یونانی، و ارتودکس روس. کلیساهای قبطی (در مصر)، مارونی (در سوریه)، گریگوری ارمنی، و کلیسای شرق آشور نیز جزو کلیساهای سنت‌گرا و باستانی می‌باشند.

همان‌گونه که در بخش مربوطه اشاره شد، ویژگی اصلی این کلیساها این است که برای سنت پدران اولیه کلیسا و مرجعیت کلیسا جایگاه خاصی قائلند. به‌بیانی ساده‌تر، این کلیساها اصول عقیدتی و آیینهای مقدس و رسوم عبادتی خود را نه‌تنها از کتاب مقدس، بلکه از نوشته‌های پدران کلیسا و نیز مصوبات کلیسا اخذ می‌کنند.

این کلیساها به‌منظور توجیه روش خود، به داده‌های تاریخی استناد می‌کنند. طبق این داده‌ها، مسیحیت در قرن اول به‌دنبال نگارش عهدجدید به وجود نیامد، بلکه در اثر پیام و تعلیم رسولان. پیش از آنکه نگارش کتاب‌های عهدجدید به‌تدریج تا اواخر قرن اول به پایان برسد، کلیسا و مسیحیت وجود داشت و اعتقادات و آیینهای عبادتی این کلیسا بر پایه تعالیم شفاهی رسولان قرار داشت. به این ترتیب، می‌توان گفت که اعتقادات و عبادات و رسوم کلیسایی نظیر کلیسای کاتولیک، بر سه ستون اصلی استوار است: کتاب مقدس، سنت پدران، و مصوبات کلیسا. این ستونها هر سه به یک اندازه از اعتبار و مرجعیت برخوردارند.

برای مثال، ممکن است یک پروتستان به یک کاتولیک بگوید: ”در هیچ جای عهدجدید نیامده که می‌توانیم به قدیسن و شهیدان دعا کنیم و از ایشان طلب شفاعت نماییم. چرا شما چنین می‌کنید؟“ یک کاتولیک آگاه در پاسخ به این سؤال خواهد گفت: ”از آنجا که طبق نوشته‌های پدران کلیسا در قرن دوم، مسیحیان اولیه چنین دعایی می‌کرده‌اند.“ یا ممکن است بپرسد: ”در عهدجدید آمده که نوایمانان را به‌هنگام غسل تعمید، در آب غوطه‌ور می‌ساختند. پس چرا شما آنها را با ریختن آب بر سرشان تعمید می‌دهید؟“ باز کاتولیک آگاه پاسخ خواهد داد: ”از

آنجا که طبق کتاب «دیداکه» که همزمان با آخرین دهه از عمر یوحنا ی رسول نوشته شده، مسیحیان اولیه در مکان‌هایی که آب کافی نبود، اجباراً چنین می‌کردند، و این روش در میان پدران اولیه کلیسا مرسوم بوده است.“ کسانی که مطالعه‌ای در آثار و نوشته‌های پدران اولیه کلیسا داشته‌اند، قطعاً متوجه شده‌اند که این ادعاها در این نوشته‌ها منعکس می‌باشد.

به این ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که منبعی که کلیساهای سنت‌گرا اصول اعتقادی و آیینها و رسوم خود را استخراج می‌کنند، بر خلاف پروتستان‌ها، فقط محدود به کتاب مقدس نیست، بلکه سنت پدران کلیسا و مصوبات مجمع اسقفان در هر دوره‌ای، برای ایشان به همان اندازه مرجعیت و حُجَّت دارد.

ستون یگانه کلیساهای پروتستان

در اواخر قرون وسطی^۱ (یعنی سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی)، کلیسای کاتولیک در ورطه افراط افتاد. امروزه این کلیسا این امر را تصدیق می‌کند. کلیسا به دنیادوستی و تجمل‌گرایی یافته بود. پاپ‌ها قدرت داشتند پادشاه یا حکمرانی را در اروپا نصب یا عزل کنند. پاپ در واقع بر مسند امپراطوران روم باستان نشسته بود و بر امور سیاسی اروپا سلطه کامل داشت. در دربار پاپ فساد اخلاقی به چشم می‌خورد. کلیسا هر کسی را که عقیده‌ای خلاف اعتقادات روم ابراز می‌کرد، یا خاموش می‌ساخت یا یکسره اعدام می‌کرد. کشیشان کاتولیک متعددی به این افراط‌ها و فسادها اعتراض کردند، اما اکثر آنان اعدام شدند.

اما در اوائل سده شانزدهم، کشیشی کاتولیک در آلمان بار دیگر علم مخالفت را با افراط‌های روم بر افراشت. از اقبال خوب او، حکمرانان وقت به‌خاطر ملاحظات سیاسی و اقتصادی، او را مورد پشتیبانی قرار دادند و حتی به نهضت او پیوستند. قصد لوثر این نبود که کلیسای جدید پدید آورد، بلکه می‌خواست کلیسا از درون متحول شود. او قصد داشت کلیسا را از برخی افراط‌ها و فسادهای اخلاقی دور سازد. اما وقتی کار به جایی نبرد، کلیسای نو تشکیل داد.

مهم‌ترین اصلی که لوثر به آن پایبند بود، بازگشت به اصول عهدجدید بود. از او این شعار بر جای مانده است: “فقط کتاب مقدس“. او معتقد بود که هر چه در عهدجدید یافت نشود یا با روح آن مغایر باشد، باید از مسیحیت زدوده شود. به این ترتیب، نهضت پروتستان به وجود آمد که می‌کوشید اصول اعتقادات و آیینهای مقدس و رسوم عبادی را با عهدجدید مطابقت دهد. لوثر می‌گفت که کتاب مقدس باید به زبان مردم هر سرزمین ترجمه شود، و هر کس باید کتاب مقدس را بخواند و می‌تواند آن را تفسیر کند. این رویکرد او درست در نقطه مقابل نظر کلیسای کاتولیک قرار داشت که می‌گفت فقط مجمع اسقفان صلاحیت دارد کتاب مقدس را تفسیر کند. لذا لوثر کلیسای بنیاد نهاد که بر تفسیر خود او از کتاب مقدس مبتنی بود. این همان کلیسای لوثری است که امروز عمدتاً در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی مستقر می‌باشد.

اما لوثر تنها کسی نبود که تفسیر خاص خود را ارائه داد. تقریباً همزمان با او بود که زوئینگلی و کالون در سوئیس تفسیرهای خود را ارائه دادند. کالون کلیسای پرزبیتری را بنیان گذاشت. دیری نپایید که کلیسای کاتولیک

انگلستان خود را از سلطه پاپ خارج ساخت و کلیسای انگلیکن را به وجود آورد. در اوائل سده هفدهم نیز کلیسای باپتیست پا به عرصه وجود گذاشت. در سده هجدهم، جان و چارلز وُزلی کلیسای متودیست را بنیان گذاشتند. همه اینها معتقد بودند که تفسیرشان از کتاب مقدس یگانه تفسیر درست است. به این ترتیب کلیساهای مختلفی تحت چتر مشترک "پروتستان" به وجود آمد؛ این چتر مشترک همانا تلاش برای پایبندی به شعار "فقط کتاب مقدس" می‌باشد. کلیساهایی که نام بردیم، یعنی کلیساهای لوتری، پرزبیتری، انگلیکن، باپتیست، و متودیست، با عنوان کلیساهای جریان اصلی (mainstream) یا کلیساهای نهادینه معروف هستند. کلیساهای جریان اصلی اکنون در سراسر دنیا پیرو دارند.

کلیسای متودیست در ایالات متحده بسیار نیرومند شد. از بطن این کلیسا در سده نوزدهم، نهضتی به وجود آمد که به "نهضت تقدس" (Holiness Movement) معروف است. این نهضت تأکید بیشتری بر اعتقاد جان وُزلی به تجربه مشخص بازگشت و تولد تازه گذاشت. در اواخر قرن مزبور، این تجربه تقدیس را تعمیم به روح القدس نامیدند. موضوع شفا از تأکیدات عمده نهضت تقدس گردید.

و باز از بطن همین نهضت تقدس بود که در اوائل سده بیستم در ایالات متحده، نهضت پنطیکاستی پدیدار گشت. در نیمه دوم قرن بیستم نیز نهضت کریزماتیک تحت تأثیرات نهضت پنطیکاستی به وجود آمد. همان گونه که در شماره قبل شرح داده شد، جنبش کریزماتیک به کلیساهای نهادینه نیز نفوذ کرد و امروزه شمار فزاینده‌ای از اعضای این کلیساها، کریزماتیک هستند.

از اواسط قرن بیستم در ایالات متحده، خادمین مختلف کلیساها یا سازمانهای (Ministries) خاص خود را به وجود آورده‌اند که به کلیساها یا سازمانهای غیرفرقه‌ای (non-denominational) معروف‌اند. هر یک از این کلیساها یا سازمانها که اغلب کریزماتیک هستند، پیرو نظرات و اعتقادات و روشهای رهبر خود می‌باشند. اما از آنجا که اظهار می‌دارند پیرو شعار پروتستان، یعنی "فقط کتاب مقدس" هستند، خود را پروتستان می‌دانند.

وضعیت امروز

در توصیف وضعیت امروز مسیحیت در جهان، باید گفت که تعداد اعضای کلیساهای نهادینه رو به کاهش است، اما در مقابل، شمار اعضای کلیساهای پنطیکاستی و کریزماتیک به‌شکلی چشمگیر رو به فزونی است. شاید یکی از علل عمده این امر، حالت پر شور و هیجان‌انگیز جلسات این کلیساها باشد که با رقص و پایکوبی و سرودهای هیجان‌آور و اتفاقات ملموس و بیرونی نظیر افتادن، خنده، نبوت، تکلم به زبانها و نظایر اینها همراه است. همچنین باید توجه داشت که تأکید این کلیساها بر شفا، وعده موفقیت و کامیابی، و تضمین این امر که خدا در پاسخ به ایمان فرد، هر مشکل او را برطرف می‌سازد، مسیحیتی لمس‌شدنی و مرتبط به دردها و رنجهای انسان را ارائه می‌دهد که طبعاً دردمندان را به خود جلب می‌کند و نیز خلأ روحانی ناشی از جامعه‌ای ماده‌گرا را پر می‌سازد. امروزه، افزایش تعداد کلیساهای غیرفرقه‌ای چنان زیاد شده که تصور نمی‌شود در شرایط کنونی، دیگر قابل کنترل باشد.

علل این تنوع گسترده

در مقابل چنین تنوعی در مذهب پروتستان چه باید گفت؟ چرا این همه تنوع؟ علت اصلی آن را باید در ماهیت کتاب مقدس جستجو کرد. طبق شعار پیشگامان نهضت اصلاحات، هر کس می‌تواند کتاب مقدس را بخواند و درک کند و تفسیر نماید. اما اگر درک کتاب مقدس اینچنین سهل و ساده است، پس چرا در همان آغاز نهضت پروتستان، شاهد پیدایی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف هستیم، در حالی که همه آنها نیز مدعی بودند که عقاید و رسومشان منطبق بر کتاب مقدس است و فقط خودشان درک درست را از این کتاب دارند؟

ماهیت کتاب مقدس

همان گونه که ذکر شد، موضوع ماهیت کتاب مقدس از علل اصلی این تنوع است. اما این بحثی است طولانی که نگارنده این مقاله در یکی از شماره‌های قدیمی به آن پرداخته بود. واقعیت این است که به‌غیر از اصول اساسی اعتقادات (نظیر وحدانیت خدا، تثلیث، کفاره)، بسیاری از مباحث فرعی و ثانوی (نظیر شیوه اداره کلیسا، مفهوم دقیق عشاء ربانی، روش تعمید، تعمید نوزادان) به‌صراحت در کتاب مقدس مشخص نشده‌اند و حکمی مستقیم در باره آنها نیامده است. اختلاف نظر در باره همین موضوعات فرعی بود که موجب اختلاف نظر در میان پیشگامان نهضت اصلاحات گردید.

تأکید بیش از حد بر نکات فرعی

در قرن بیستم نیز عاملی که سبب پیدایی چنین انبوهی از کلیساهای غیرفرقه‌ای شده، شاید عمدتاً این باشد که رهبران این گروه‌ها گاه نکته‌ای بسیار فرعی را چنان بزرگ نمایانده‌اند که منجر به تشکیل گروه جدیدی از کریزماتیک‌ها شده است. برای مثال، واعظی بر اساس رساله سوم یوحنا، آیه ۲، تعلیمی را اشاعه داد که به "انجیل تندرستی و ثروت" معروف شده است.

تحمیل عقاید زمانه

عاملی دیگر، جستجوی فرهنگ زمانه در لابلای مطالب کتاب مقدس و تحمیل آن بر این کتاب می‌باشد. برای مثال، هواداران نهضت فمینیستی (حقوق مسلم زنان) مدعی هستند که کتاب مقدس این امر را به‌موضوع تعلیم داده است. نمونه دیگر، موضوع برده‌داری بود که در سده نوزدهم موجب بروز جنگ‌هایی خونین در ایالات شرقی آمریکا گردید. هواداران برده‌داری و مخالفان آن، هر دو ادعا می‌کردند که نظرشان به‌صراحت در کتاب مقدس تعلیم داده شده است.

تأکید فقط بر یک دسته از آیات

عامل دیگر، تأکید بر یک دسته از آیات به بهای نادیده گرفتن دسته‌ای دیگر می‌باشد. بهترین نمونه این امر را در عقاید کالون و آرمینیوس می‌بینیم. کالون بر آن دسته از آیات تأکید می‌گذاشت که بیانگر این امر هستند که خدا از بدو خلقت، عده‌ای را برای رستگاری تعیین کرد و عده‌ای را برای هلاکت. آرمینیوس نیز بر آیاتی تأکید داشت که حاکی از اختیار و آزادی انتخاب انسان هستند. هر دو مکتب لاجرم برخی آیات را یا نادیده می‌گیرند یا آنها را به‌نوعی تعبیر و تفسیر می‌کنند.

فرهنگ معاصر

در این میان، نباید فراموش کرد که فرهنگ و تفکر زمانه ما مبتنی است بر فردگرایی مفرط، شکستن هر نوع سنتی، و عدم تابعیت از اقتدار و مرجعیت مقامات ارشد. بارزترین نمونه این امر را در روابط خانوادگی مشاهده می‌کنیم. نه شوهر آن اقتدار کتاب‌مقدسی را دارا است، و نه والدین از احترام لازم. شاگرد مدرسه نیز برای معلم تعیین تکلیف می‌کند. جوانان هم دیگر در مقابل سالخوردگان به پا نمی‌خیزند. پرده حجب و حیا و حرمت دریده شده است. متأسفانه بازتاب‌های این فرهنگ را در مذهب نیز شاهدیم. هر عضوی به‌مجرد آنکه مقداری مطالعه کرد، مدعی مقام رهبری می‌شود، کلیسای خود را ترک می‌کند، و کلیسای جدیدی برای خود بر تشکیل می‌دهد.

نقش خادمین

در این آشفته‌بازار، نقش خادمین چیست؟ در اینجا نگارنده حقیر این مقاله، نظرات خود را بیان می‌دارد که قطعاً فراگیر نیست. اما طبق نظر او، شاید بهترین نقشی که خادم می‌تواند ایفا کند، مجهز ساختن خود با مطالعات دقیق و گسترده باشد. خادم باید به‌دقت از اصول اساسی اعتقادات مسیحی آگاه باشد. باید علم تفسیر را بداند. و لازم است از تاریخ کلیسا و تاریخ اندیشه مسیحی آگاه باشد.

همچنین خادم باید از تعالیم فرقه خود به‌دقت آگاهی داشته باشد و با تعالیم سایر فرقه‌ها نیز آشنا باشد. این امر سبب می‌شود که خادم بداند خودش چه می‌گوید و دیگران چه؛ در ضمن، کمک می‌کند تا پرده تعصبات برداشته شود و شخص بیشتر اهل مدارا گردد.

خوشبختانه، امروز منابع بسیار مفیدی در زمینه اصول اعتقادات مسیحیت (برای فرقه‌های مختلف)، علم تفسیر، تاریخ کلیسا، و سیر اندیشه تفکر مسیحی به فارسی تهیه شده است و مسیحیت ایرانی باید به این امر مباحثات کند. امید است این مجموعه از مقالات توانسته باشد وضعیت مسیحیت در دنیای امروز را اندکی روشن کرده و خادمین را تشویق به مطالعه و تحقیق بیشتر کرده باشد.

مسیح، مشاور نیک

بخش چهارم: مشورت مسیح به افراد خشمگین

نوشته کشیش تت استیوارت

(ترجمه لیلا طهماسبی)

”هنگامی که خشمگین می‌شوید، گناه نکنید“ (افسیسان ۴: ۲۶).

خشم، حسی است بسیار قوی که دو حالت بیش نمی‌تواند بگیرد؛ یا می‌توان آن را به جهتی سوق داد که منتهی به اجرای عدالت و پرهیزکاری گردد، یا دامی مهلک شود که ما را به اعماق تلخی و افسردگی افکند. اعضای بسیاری در بدن مسیح وجود دارند که نمی‌دانند چگونه خشم خود را مهار نمایند و موجب قطع روابط یا جریحه‌دار شدن آنها شود. یک قسمت از مشکل این است که به‌ندرت روی این بحث تعلیم داده می‌شود و آگاهی درست از کلام خدا ارائه نمی‌گردد. خشم حسی خدادادی است و به تنهایی در ذات خود، گناه نیست. ما می‌خوانیم که خدا خشمگین شد. ”خدا داور عادل است و هر روزه خشمناک می‌شود“ (مزامیر ۷: ۱۱). در اناجیل مشاهده می‌کنیم که عیسی بر کسانی که خانه خدا را به مغاره دزدان تبدیل کرده بودند، خشم می‌گیرد. پولس در مشاوره خود به ما می‌گوید، مراقب باشید هنگامی که خشمگین هستید، گناه موزید. گناه در این نیست که خشمگین می‌شویم، بلکه در این است که با خشم خود چه می‌کنیم. سلیمان با نوشته خود، این گفته را تأیید می‌کند: ”احمق تمامی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما مرد حکیم به تأخیر آن را فرو می‌نشاند“ (امثال ۲۹: ۱۱). یک مشاور مسیحی باید بداند که چه عواملی موجب خشم شده، چگونه منجر به گناه می‌شوند.

عوامل خشم

خشم موضوعی بسیار شخصی است. آنچه که یک شخص را خشمگین می‌سازد، ممکن است بر روی دیگری بی‌تأثیر باشد؛ به همین دلیل است که گاهی علت عصبانی شدن دیگران برایمان مجهول است. اما در کل می‌توانیم عوامل عمومی را که موجب خشم می‌شوند مشخص کنیم.

ضایع شدن حق

گرچه می‌دانیم که ما در مسیح برای خود زیست نمی‌کنیم (دوم قرن‌تیان ۵: ۱۵)، اما هنوز هنگامی که حس کنیم چیزی به ما تعلق داشته و از ما گرفته شده، بسیار خشمگین می‌شویم. چندین سال پیش، مردی که ساعت‌ها برفهای پارکینگی را برای پارک ماشین خود پارو می‌کرد، به شخص دیگری که آمده و ماشین خود را در آنجا پارک کرد، از شدت خشم، او را با تفنگ کشت.

جریحه‌دار شدن غرور

اخیراً با مردی در یک زمان مشخص، قرار ملاقات داشتم، اما زمانی که به آنجا رسیدم، او خانه نبود. به ناچار در منزل یکی از همسایه‌ها منتظرش ماندم. هنگامی که به خانه رسید و متوجه اشتباه خود شد، نسبت به من خشم گرفت! گاهی اوقات ما نسبت به کسانی که نقاط ضعف و یا شکست ما را نشان می‌دهند، عصبانی می‌شویم، چرا که تکبر ما با کار آنها جریحه‌دار می‌شود (یعقوب ۴:۶).

برآورده نشدن نیاز

هنگامی که وارد یک رابطه می‌شویم، این انتظار را در درون خود داریم که نیازهای ما برآورده خواهند شد. این امر در مورد روابط زناشویی بسیار صدق می‌کند. اکثر اوقات، به علت عدم رسیدگی به نیازها و برآوردن آنها، خشم بسیار زیادی بین زن و شوهرها دیده می‌شود و این امر معمولاً خود را به شکل طعنه نشان می‌دهد. مهم‌ترین علت خشم ما از آن است که حس می‌کنیم نیازهای ما برآورده نشده‌اند.

به‌هنگام دردهای روحی یا جسمی

این خشم می‌تواند در برابر شرایط و یا افرادی باشد که باعث درد شدید ما شده‌اند. من با افرادی مواجه شده‌ام که با داشتن خشم نسبت به زمانی دردناک در گذشته دور، یا نسبت به کسانی که زندگی را بر آنها غیر قابل تحمل کرده بودند، خود را از پای در آورده‌اند. هیچ‌گونه تردیدی نیست که درد، عامل اصلی خشم است.

واکنشهای متداول به‌هنگام خشم

یقین دارم همه ما با عوامل اشاره‌شده در ایجاد خشم، کم و بیش آشنایی داریم و حتی در حینی که این مقاله را می‌خوانیم، ممکن است با بعضی از آنها درگیر باشیم. سؤال بعدی این است که ”با این خشم چه باید کرد؟“ قطعاً اگر براساس کتاب مقدس با آن برخورد نشود، باعث گناه خواهد شد.

انکار

می‌توانیم خشم خود را با ریختن به درون خود، فرو بنشانیم و اجازه ندهیم هیچ‌گونه واکنش خارجی بروز دهد. بعضی از افراد با انکار خشم خود، همین کار را انجام می‌دهند؛ شاید به آنها تعلیم داده شده که یک مسیحی خوب خشمگین نمی‌شود، بنابراین از پذیرفتن خشم خود امتناع می‌ورزند. بعضی دیگر ”خواهان آرامش هستند، حال به هر قیمتی که تمام شود“؛ از ترس اینکه مبدا باعث آزار دیگری شوند، هیچ‌گاه از آنچه که باعث آزار خودشان می‌شود، حرفی نمی‌زنند. چنین افرادی معمولاً به ”مهاجمینی منفعل (غیر فعال)“ تبدیل می‌شوند؛ به این معنا که خشم خود را

رو در رو نشان نمی‌دهند. ممکن است کارهایی را که قول داده‌اند انجام دهند، "فراموش" کنند و یا برای انجام تعهدات خود دیر حاضر شوند.

پس انداز

برخی دیگر درد و آزار هایشان را پس انداز می‌کنند و سوابق فکری حساب شده خود را برای زمانی حفظ می‌کنند که یکبار همه را نقد کنند و با دیگران بی حساب شوند. اینگونه اشخاص با جزئیات کامل به یاد دارند که چگونه مظلوم واقع شده‌اند. در هر صورت، کسانی که خشم را به درون خود می‌ریزند، معمولاً به سلامت خود آسیب رسانده، دوستی هایشان را نیز به مخاطره می‌اندازند.

بروز سریع

در کفه دیگر ترازو، افراد دیگری را می‌بینیم که در ابراز خشم خود بسیار سریع هستند. آنها مانند کوه آتشفشانی می‌باشند که منفجر می‌شود و پس از فوران آتش بر سر اطرافیان خود، احساس بهتری می‌کنند. با بیان واژه‌هایی که تقریباً جنبه خود-ستایی دارند، توضیح خواهند داد که صرفاً چون صادق هستند، باید افکار خود را بیان کنند. مشکل این کار در این است که گرچه ممکن است این افراد احساس بهتری کنند، اما پشت سر خود، رد پای از روابط درهم شکسته با کسانی می‌گذارند که صرفاً از واهمه انفجاری دیگر، نمی‌توانند دوباره با آنها روراست و صادق باشند. با این توصیفات، امیدوارم برایتان روشن شده باشد که نگاه داشتن و انکار خشم و همچنین منفجر شدن و عدم حفظ حد و حدود، به گناه ختم می‌شود. در ابتدای این مقاله بیان کردیم که خشم به تنهایی در ذات خود گناه نیست و عوامل بسیاری وجود دارند که موجب خشم ما می‌شوند؛ اما نکته‌ای که دانستن آن بسیار ضروری است، این است که عکس‌العملی که ما در برابر خشم خود نشان می‌دهیم، می‌تواند ما را به گناه بیندازد. کلام خدا چه مشورتی را در مورد خشمگین بودن ولی گناه نکردن به ما می‌دهد؟

مشورت کتاب مقدس

انکار نکنیم

گرچه به نظر خیلی ساده می‌آید، اما ابتدا از اینجا شروع می‌کنیم که خشمگین شدن خود را انکار نکنیم. شخصاً این مطلب درس بسیار سختی برای من بود، چرا که همیشه تصور می‌کردم روحانی‌تر از آن هستم که بتوانم خشمگین شوم. پافشاری می‌کردم که نسبت به دیگران در مانده و یا ناامید می‌شوم اما نه عصبانی! بعداً متوجه شدم که تکبر من، مانع برخورد صادقانه‌ام با این مطلب می‌شد که من آدمی عصبانی بودم. این مکاشفه مرا کمک کرد یاد بگیرم چطور با این موضوع به طرز صحیح برخورد نمایم. سپس باید بیاموزیم با خشم خود چه کنیم. آیا آن را به درون خود به درون خود بریزیم؟ آیا بدون در نظر گرفتن دیگران، آن را بروز دهیم؟ ممکن است لازم باشد اعتراف کنیم که خشم اغلب ما را به گناه کشانده است (اول یوحنا ۱: ۱۰-۸).

حمله به مشکل، نه به فرد

در مرحله بعدی، موقعیت‌هایی را که معمولاً باعث عصبانیت شما می‌شوند و افرادی را که با آنها در تنازع هستید شناسایی کنید تا بتوانید بر اساس کتاب مقدس با آنها روبرو شوید. هر روزه قلب خود را به مسیح بسپارید. ”دل خود را به تمام نگاه دار، زیرا که مخارج‌های حیات از آن است“ (امثال ۴: ۲۳). خواسته‌های خود را به مسیح بسپارید. ”مسیح برای همه مرد تا تمام کسانی که زنده‌اند یعنی کسانی که از او زندگی جاوید یافته‌اند، دیگر برای خود و ارضای خواسته‌های خود زندگی نکنند، بلکه برای خشنودی همان کسی زندگی کنند که در راه ایشان مرد و دوباره زنده شد“ (دوم قرن‌تین ۵: ۱۵). پس از اینکه توانستید خشم خود را کنترل کنید، توجه خود را بر روی مشکل متمرکز سازید. به عبارتی دیگر، به جای حمله به مردم، به خود مشکل حمله کنید. کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که راستی را با عشق و علاقه باید به یکدیگر گفت (افسیان ۴: ۱۵).

یکبار با شخصی که خرناسهای بسیار بلندی می‌کشید هم‌اتاق شدم، طوری که نمی‌توانستم بخوابم. صبح آن روز از دست او بسیار عصبانی بودم که تمام شب مرا بیدار نگاه داشته بود. همینکه علت خشم خود را بررسی کردم، متوجه شدم به‌خاطر این بود که به داشتن خواب خوب شب باور داشتم؛ در آن زمان بود که متوجه شدم خشم من دارد مرا به گناه وا می‌دارد و رابطه دوستی مرا خدشه‌دار می‌سازد، بنابراین تصمیم گرفتم به مشکل حمله کنم. به دوست خود گفتم که گرچه او را بسیار دوست دارم اما خرناسهای او مانع خواب من می‌شد، بنابراین ترتیبی دادم که در یک اتاق دیگر بخوابم. لطمه‌ای به دوستی ما نخورد و استراحت شبانه خوبی نیز داشتم. زمانی که پیام‌وزیم چگونه خشم خود را هدایت کنیم تا باعث حل مشکلات و بهبود روابط گردد، به آزادی بی‌نظیری دست می‌یابیم.

هدف منحصر به فرد زندگی شما

نوشته اریک ریز

تلخیص و نگارش: کشیش دکتر ساسان توسلی

(ترجمه لیلا طهماسبی)

بخش چهارم: قابلیت‌ها و توانایی‌های ما

این مقاله، بخش چهارم معرفی کتابی است به قلم اریک ریز (Erik Rees) به نام "S.H.A.P.E.: کشف هدف منحصر به فرد زندگی خویش و شکوفاسازی آن".

همان طور که در شماره‌های قبل اشاره کردیم، پیام اصلی این کتاب این است که خدا به شکلی منحصر به فرد به هر یک از ما عطاهایی ارزانی داشته است. نویسنده از سرواژه SHAPE استفاده می‌کند که مخفف حروف اول پنج کلمه است، به این ترتیب: S برای spiritual gift (عطاهای روحانی)؛ H برای heart (دل و اشتیاق)؛ A برای abilities (قابلیت‌ها و توانایی‌ها)؛ P برای personality (شخصیت)؛ و E برای experiences (تجارب). به عبارتی دیگر، همه ما که به مسیح ایمان داریم، از عطاهای روحانی منحصر به فرد، علائق و اشتیاق‌ها، توانایی‌ها، خصوصیات شخصیتی، و تجربیات زندگی‌ای بهره‌مندیم که خاص خود ما می‌باشند و ما را تبدیل به آن شخصیتی ساخته‌اند که هستیم، و نیز انگیزه‌هایی را تشکیل می‌دهند که محرک‌های ما در رفتارمان می‌باشند. لذا همه ما نیاز داریم کشف کنیم که خدا ما را چگونه ساخته، و از طریق کشف این حقیقت، پی ببریم که با زندگی و دعوت خود باید چه کنیم.

در شماره ۴۵ به بررسی موضوع دل و یا شور و اشتیاق واقعی پرداختیم. در این شماره نگاهی به قابلیت‌ها و توانایی‌ها و کشف آنچه که به‌طور خدادادی در انجام آنها مهارت داریم خواهیم پرداخت.

قابلیت‌های خدادادی ما

خدا قوت خارق‌العاده‌ای در ما به ودیعه گذاشته است. همانطور که در رومیان ۱۲:۶ می‌خوانیم، "خدا به هر یک از ما نعمت و عطایای خاصی بخشیده است تا وظایف خاصی را انجام دهیم." بنا به گفته ریک وارن: "توانایی‌های بالقوه شما به روشنی نشان می‌دهند خدا از شما در زندگی چه می‌خواهد. آنها نشانگر اراده خدا برای زندگی شما می‌باشند... خدا توانایی‌ها را نادیده نگرفته، آنها را به هدر نمی‌دهد، بلکه بین آنها و آنچه که او ما را فرا خوانده تا در زندگی خود انجام دهیم، مطابقت ایجاد می‌کند."

چند لحظه با خود فکر کنید که به چه کاری علاقه دارید، کارهایی که با اطمینان خاطر آنها را به خوبی انجام می‌دهید. این مرور به شما کمک می‌کند تا راههای خاصی را برای محبت به دیگران پیدا کنید. در طول زندگی خود چیزهایی را کشف می‌کنید که به‌طور غریزی علاقه خاصی به انجام آنها دارید. در مقابل، مواردی نیز هستند که زندگی‌تان بدون انجام آنها نیز می‌گذرد. وقتی کاری را با علاقه انجام می‌دهید، بیشتر برایتان شبیه سرگرمی می‌شود و زمانی که فرصتی برای انجام آن دست می‌دهد، بی‌صبرانه منتظر شروع آن خواهید بود. آنها خسته‌کننده و وقت‌گیر به نظر نمی‌رسند، به‌طوری‌که اطرافیان‌تان ممکن است بگویند که شما آن کار را آنقدر با شادی و علاقه و براحتی انجام می‌دهید که گویا انجام آن هیچ زحمتی ندارد.

این شادی و آرامش می‌تواند بر چگونگی استفاده شما از عطایا و توانایی‌هایتان برای خدمت به دیگران تأثیر بگذارد. رابین چدک در کتاب خود به نام «کشف وظایف الهی شما» می‌پرسد: «آیا تا بحال برایتان پیش آمده که کسی به شما بگوید: «خیلی ممنون»، و شما در پاسخ بگویید: «اما من که کاری نکرده‌ام»؟... مردم توسط خدا و از طریق شما شفا می‌یابند فقط به دلیل اینکه شما آنچه را انجام داده‌اید که خدا می‌خواسته انجام دهد، و آن شخصی بوده‌اید که او می‌خواسته باشید، نه به خاطر آنچه که شما فکر می‌کنید باید باشید و انجام دهید تا دنیا از آن بهرمند شود.»

از خود سؤال کنید

بنابراین سؤالی که از بایستی از خود بپرسید این است: «در چه کارها و زمینه‌هایی به‌طور طبیعی (خدادادی) بهتر عمل می‌کنم؟» آیا شما کسی هستید که علاقه دارد به سایرین الهام بخشد؟ آیا خلاقیت فکری یکی از روشهای کاری شما است؟ آیا علاقه دارید با دست‌هایتان کار کنید؟ آیا استعداد موسیقی در شما نهفته است؟ آیا بعنوان سازمان‌دهنده گروه شهرت دارید؟ برای هر آنچه که به‌طور غریزی در انجام آن خوب هستید و علاقه دارید، راهی پیدا کنید تا آن را برای خدا به کار گیرید!

شاید همین اکنون شما از عطایای خدادادی خود برای او استفاده می‌کنید. اگر چنین است، خدا به شما برکت بدهد! اما آیا هیچ گاه فکر کرده‌اید شاید خدا چیزهای بیشتری برای شما در نظر دارد؟ آیا مشتاق دریافت بیشتر هستید؟ شاید سخن خدا به شما این باشد: «ای محبوب من، وسیع شو و رشد کن!» مادامی که بدنبال اراده و هدف خدا باشیم، او هیچ گاه از نشان دادن آن به ما باز نمی‌ایستد. ما خلق شده‌ایم تا برای خدا به کار گرفته شویم.

بدون داشتن امید و انتظار برای آنکه در جهت هدفی که بالاتر از خود ماست مورد استفاده قرار بگیریم، روزها بسیار طولانی می‌شوند و زندگی نیز طولانی و کسل‌کننده خواهد شد. هدف از مرور نکات قوت و علاقه شما این نیست که اعتماد به نفس خود را با اشاره به شایستگی‌های خود بالا ببرید، بلکه هدف یادآوری شایستگی مطلق خدا برای به کارگیری مخلوقات خود است. در قوت و توانایی‌های ما جلال و عظمت خدا دیده می‌شود.

ما بیشتر اوقات به منظور حفظ رویه زندگی‌ای که در پیش گرفته‌ایم، تمام توجه خود را تنها متمرکز کاری می‌سازیم که تصور می‌کنیم باید انجام دهیم، یا حتی تحت هر فشار هم که شده آن کار را ادامه دهیم. اما زمانی که

انجام کارهایی را در پیش می‌گیریم که خدا ما را برای انجام آنها به‌طور خاصی طراحی کرده، از بار این فشارها آزاد می‌شویم. ضروری است که عطایا و توانایی‌هایی را که خدا به شما ارزانی داشته مجدداً ارزیابی کنید، اما این بار برای درک هدف فناپذیر و لایزال خدا و شرایط زندگی که او شما را در آن قرار داده است. آنچه که کشف می‌کنید، می‌تواند شما را آزاد کند و درها را به روی خدمتی جامع و گیرا برایتان باز کند که هیچ‌گاه تصورش را نمی‌کردید.

به خدا پاسخگو هستیم

بسیار آسان است که در پی مشغله‌های زندگی روزمره، استعدادهای خدادادی خود را فراموش کنیم، اما یک روز تک تک ما در حضور خدا خواهیم ایستاد و باید پاسخگو باشیم که با آنها چه کردیم. بنابراین زمان استفاده از استعدادها و توانایی‌ها همین الآن است! زندگی کوتاه‌تر از آن است که نخواهیم نهایت تلاش خود را برای خدا بکنیم. آرتور میلر می‌نویسد: ”در نظر داشته باشید که شما در برابر آنچه که او در شما به ودیعه گذاشته تا با آن کار کنید، مسئول هستید.“ اندرو ماری، واعظ بزرگ قرن نوزدهم، این مقایسه را به عمل آورده است: ”من قلمی در جیب خود دارم. این قلم خود را کاملاً به وظیفه‌اش که همانا نوشتن است وقف کرده، و همچنین به دست من، البته به شرط اینکه بخواهم به طرز صحیحی با آن بنویسم. حال اگر شخص دیگری قسمتی از آن قلم را در دست بگیرد، دیگر من نمی‌توانم با آن بنویسم.“ به همین منوال، اگر ما جلو استعدادها و توانایی‌هایی را که خدا در بدو تولد در ما به ودیعت نهاده بگیریم و یا برای هدف‌هایی غیر الهی از آنها استفاده کنیم، هیچ‌گاه از آنها به حد کمال استفاده نخواهد شد.

فهرست توانایی‌ها

فهرستی از توانایی‌های بسیار متعارف در ذیل ذکر شده؛ این فهرست طبعاً کامل نیست. تمام توانایی‌ها برای خدا ارزش دارند و از دیدگاه او همگی از اهمیت یکسانی برخوردارند. کارهایی را که در ذیل ذکر شده مد نظر قرار دهید و قابلیت‌های غریزی خود را که در آنها مهارت و علاقه بیشتری دارید کشف کنید.

مدیریت؛ تجزیه و تحلیل کردن؛ کارهای عملی؛ مربی‌گری؛ ارتباط برقرار کردن؛ حسابداری؛ ایجاد پیوند؛ مشورت؛ آشپزی؛ هماهنگ کردن؛ مشاوره؛ تزئین کردن؛ طراحی؛ کارگردانی؛ ویرایش؛ تشویق؛ مهندسی؛ کمک‌رسانی؛ ترغیب کردن؛ رهبری کردن؛ یادگیری؛ ارشاد کردن؛ انگیزش دادن؛ نظم دادن؛ به‌کار گرفتن افراد؛ تعمیر؛ پژوهش؛ ابتکار؛ خدمت؛ تعیین خط‌مشی؛ تعلیم؛ ترجمه؛ نگارش.

چند سؤال برای کشف توانایی‌های خدادادی خود

آیا می‌دانید با چه توانایی‌هایی به دنیا آمده‌اید؟ اگر جواب شما منفی است، پاسخگویی به سؤالات زیر می‌تواند شما را کمک کند. در ضمن مرور هر توانایی، خود را نیز بر اساس این که علاقه شدید به انجام آن کار دارید، آن را دوست دارید، یا برایتان اهمیتی ندارد و بدون انجام آن نیز می‌توانید زندگی کنید، درجه‌بندی کنید. هدف، باز کردن آغوش شما به روی کارهایی است که اشتیاق به انجام آنها دارید، نه تنها کارهای که از عهده‌تان بر می‌آید.

بیشترین اشتیاق را فقط به آن احساس می‌کنید

نمی‌توانید زندگی را بدون این فعالیت‌ها تصور کنید. آنها تکمیل‌کننده روز شما می‌باشند. اگر حق انتخاب داشتید، آنها را به‌طور تمام وقت انجام می‌دادید. از طریق این قابلیت‌ها است که به نیازهای انبوه مردمی رسیدگی خواهید کرد که در شماره ۴۵ خود را با آنها نزدیک احساس کردید. آنها می‌توانند جزیی از شغل شما باشند اما نه الزاماً. شغل و حرفه شما می‌تواند خیمه‌دوزی باشد، همان کاری که پولس رسول انجام می‌داد. اگر از کار و حرفه تمام‌وقت خود ناراضی باشید، به‌محض اینکه کاری را پیدا کردید که به آن بیشترین علاقه را دارید، آن را حرفه و شغل خود خواهید ساخت.

فقط آن را دوست دارید

ممکن است از انجام این گونه فعالیت‌ها لذت ببرید، اما لزومی نمی‌بینید برای حس رضایت خود آنها را مرتباً انجام دهید. عکس‌العمل شما نسبت به آنها چنین است: ”یا می‌توانم آن را قبول کنم و یا از کنارش بگذرم.“ ممکن است از انجام آنها لذت ببرید، اما واقعاً علاقه و اشتیاقی به آنها نمی‌ورزید.

برایتان اهمیتی ندارد

این‌گونه فعالیت‌ها در مقایسه با آنچه که اشتیاق به انجامش را دارید، باعث احساس یأس و سرخوردگی شما می‌شوند. زمانی که شرایطی پیش می‌آید که مجبورید این قبیل کارها را انجام دهید، اولین واکنش شما کنارگیری از آنها است؛ و در صورتی که به‌طور مداوم مجبور به حمل بار آن مسئولیت‌ها باشید، احساس درماندگی به شما دست خواهد داد. گر چه ممکن است آنها را با کارایی انجام دهید، اما انگیزه‌ای که شما را بسوی آنها سوق دهد، یا وجود ندارد یا بسیار ناچیز است.

بنا به گفته میکل آنژ: ”خطری که اکثر ما را تهدید می‌کند این نیست که هدف ما بسیار مرتفع و عالی است که به آن دست نمی‌یابیم، بلکه مشکل بزرگتر این است که هدف ما آنقدر خرد و ناچیز است که به آن دست می‌یابیم.“ لازم است بدانید که توانایی‌های ”غریزی“ ما همانند عطایای روحانی، هدایایی هستند از جانب خدا. ما باید آنها را کشف کرده، برای جلال و اهداف خدا در زندگی خود به کار گیریم. یک روش برای انجام آن، این است که اجازه

دهید قابلیت‌هایتان از طریق شخصیت بی‌نظیری که خدا تنها به شما ارزانی داشته، همچون نوری به بیرون بدرخشند. گاهی وسوسه می‌شویم خود را شبیه دیگران سازیم، اما با این کار خدا، دیگران، و خود را فریب داده‌ایم. خدا مأموریت خاصی دارد که تنها توسط شما اجرا می‌شود، بشرط آنکه در جا و شخصیت خود عمل کنید. در شماره بعدی به موضوع شخصیت خواهیم پرداخت.

به‌مناسبت درگذشت زنده‌یاد، کشیش سُبْحانی

به قلم کشیش منصور خواجه‌پور

”و او بخشید ... بعضی مبشران، بعضی شبانان و معلمان را برای تکمیل مقدسان، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح.“ (افسیان ۴: ۱۱-۱۲)

کریسمسی که پشت سر گذاشتیم، روز بسیار ویژه‌ای برای برادر گرامی‌مان شادروان کشیش پطرس (سید آقا) سُبْحانی بود. در روز ۲۵ دسامبر ۲۰۰۷ این پدر و برادر گرامی میلاد عیسی مسیح را به همراه فرشتگان مقدّسش در آسمان جشن گرفتند. در این سالروز میلاد مسیح، کشیش سُبْحانی در سن ۹۲ سالگی زندگی کوتاه زمینی را به مقصد حیات ابدی ترک گفتند و برای همیشه از محدودیت‌های زندگی زمینی رها گشتند. این همسر، پدر، برادر، معلم، مبشر و کشیش عزیز در ژانویه سال ۱۹۱۵ میلادی در شهر شیراز دیده به جهان گشودند و در جوانی چشم دل باز کرده، تمام وجود خود را به عیسی مسیح سپردند. در این گزیده کوتاه نگاهی اجمالی داریم بر زندگی پر بار ایشان. باشد که با به یاد آوردن زندگی این مرد خدا، مایانی که شاید چند صباح دیگر وقت داریم تا به دیدار معشوق بشتابیم، از زندگی او درس گرفته، در خدمت خود راسخ‌تر گردیم.

ایمان و دل‌سپردگی کشیش سُبْحانی به مسیح باعث شد که از همان عنفوان جوانی، روز و روزگار خود را در خدمت به مسیح سپری کند، خدمتی که هیچگاه از آن خسته‌خاطر نشد بلکه با ایمانی وفادارانه، همه روزه برای خدمت به خدا و قوم او تلاش کرد. خیلی زود پس از مسیحی شدن، تعصّب مذهب پیشین ایشان، تبدیل به غیرتی عظیم برای خداوند گردید، غیرتی که مسیر زندگی ایشان را به‌کلی عوض کرد و از او خادمی امین برای کلیسای خدا در میان ایرانیان ساخت.

حوزه خدمت ایشان دایره وسیعی داشت. ایشان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، برای مدتی به‌عنوان مبشر کلیسای اسقفی ایران در بیمارستان حضرت لوقای اصفهان خدا را خدمت می‌کردند. بیمارستان حضرت لوقا، در دوران پیش از انقلاب اسلامی، مرکزی بود برای درمان بیماریهای جسمی و روحانی افراد بی‌بضاعتی که از همه‌جا خود را رانده و محروم می‌دیدند. دعا برای شفای بیماران، کمک در جهت بهبودی جسمی مریضان، جزء ساده‌ترین کارهایی بود که یک مبشر در بیمارستان بر عهده داشت.

پس از ازدواج، به اتفاق همسرشان (خواهر هیلدا) به تهران عزیمت کردند و رسماً به‌عنوان مبشر و مسؤول کتابخانه نور به استخدام کلیسای انجیلی در آمدند. در آن کلیسا بود که آموخت چگونه رخت سفر بسته و بارها از خانه و کاشانه خود دور شده، در شهرها و روستاها سفر کرده، تا شاید بدینوسیله بتواند یک نفر دیگر را به خانواده خدا نزدیک گرداند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این سفرها، حفظ قناعت و زندگی ساده بود. کشیش سُبْحانی،

سالهای زیادی به همراه دکتر میلر و سایر میسیونرها برای تبشیر کلام خدا به شهرهای مختلف ایران سفر نمودند. کشیش مهدی عبهری می‌گویند که خوب به یاد دارند چگونه شصت سال پیش، از دیدن این خادمین فداکار در شهر دامغان لذت می‌بردند و برکت می‌یافتند. برادر سُبْحانی، در خلال این سفرهای بشارتی (حتی در زمان حکومت پیشین ایران) بارها جفا دیدند ولی لب به اعتراض نگشودند. چندین بار بازداشت به بهانه‌های گوناگون مانع سفرهای آتی ایشان نشد. یکی از خاطراتی که ایشان بارها با خوشی از آن یاد می‌کردند، بازداشت در شهر قم به‌هنگام توزیع کتابچه‌های مسیحی بود. نویسنده به خوبی به یاد دارد که چگونه کشیش سُبْحانی با لبخند آرامی از خاطره کتک خوردنش در قزوین یاد می‌کردند. ولی هیچکدام این اتفاقات باعث نشد که ایشان از بیان مژده نجات خدا خودداری نمایند.

در اوائل انقلاب ایران، هنگامی که برای تبشیر کلام به همراه یکی دیگر از اعضای کلیسای انجیلی به میدان ژاله رفته بودند، توسط عده‌ای به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت که بعدها همین امر موجب نابینایی وی گردید. در اوائل دهه ۱۹۸۰ به اتفاق همسرشان، به شهر نیویورک عزیمت نموده، بلافاصله خدمت خود در میان ایرانیان آمریکا را آغاز کردند. در سال ۱۹۸۴ با تأیید شورای کلیساهای انجیلی ایران و توسط کلیسای پرزبیتری در ایالات متحده آمریکا به سمت مقدس کشیشی دستگذاری شدند. ایشان با تلاشی خستگی‌ناپذیر، تحت هدایت روح‌القدس، کلیساهای زیادی را پایه نهادند. از جمله کلیساهایی که ایشان پایه‌گذاری نمودند، می‌توان به کلیساهای ایرانی نیویورک، کنتیکت، فیلادلفیا، واشنگتن دی‌سی، شیکاگو و آتلانتا اشاره کرد. انگار خوانده‌شدگی ایشان این بود که مانند مولای خود شهر به شهر بگردد و انجیل را موعظه کند. علاوه بر کلیساهای ایرانی در این شهرها، کلیساهای ایرانی و آمریکایی دیگری نیز در شهرهای دیگر از کشیش سُبْحانی برای موعظه، تدریس و شهادت دعوت به عمل می‌آوردند. در مراسم یادبود ایشان عده بی‌شماری از شهرهای مختلف آمریکا شرکت کردند تا به ایشان اداری احترام نموده، از خدمات ایشان در شهر خود تقدیر نمایند.

دو روز پس از خوابیدن در خداوند، بدن زمینی ایشان را در تابوتی بسیار ساده نهادیم، به آسمان نگرستیم و با سرابیدن سرود «شاد باش ای روح» با ایشان وداع کردیم. پیغامهای تسلی‌بخش بی‌شماری از خادمین، ایمانداران، دوستان، کلیساهای و سازمانهای مختلف دریافت کردیم. علاوه بر اینها، انجمن کلیساهای و مشارکت‌های انجیلی در آمریکای شمالی، مراسم یادبود باشکوهی در روز یکشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ در کلیسای ایرانیان واشنگتن دی‌سی برگزار نمود. در انتهای این مراسم که با حضور خانواده ایشان و بالغ بر یکصد نفر از مؤمنین و خادمین عیسی مسیح برگزار شد، کتابخانه‌ای به نام و یاد خدمات گرانقدر این برادر عزیز وقف شد. تا کنون صدها جلد کتاب نایاب و یا کمیاب مسیحی فارسی به کتابخانه کشیش سُبْحانی اهداء شده است و نیز عده زیادی با ارسال هدایای نقدی و چک، مراتب احترام خود را به ایشان ابراز نمودند. تا کنون مراسم بسیاری به یادبود زندگی ایشان در آمریکا، اروپا و ایران برگزار شده است.

بی‌تردید اگر مرگ مقدس‌ان خداوند در نظر او گرانبها می‌نماید، غیبت این چنین افراد امین از کلیسا، خصوصاً کلیسای ایرانی امری بسیار دشوار است. ولی امید پر جلال ما، یعنی عیسی مسیح که وعده‌دهنده امین است، ما را به

سوی خود می‌خواند تا در آرامی او داخل شود. این خادم کهنه‌کار، کهنه‌سربازی دلیر و منظم بود که از زمان لیبیک گفتن به دعوت الهی جهت موعظه انجیل نجات‌بخش خداوندمان عیسی‌ای مسیح تا روز ۲۲ دسامبر ۲۰۰۷ که آخرین موعظه خود را از طریق خط تلفن ایراد کرد، از خدمت بنا، اصلاح، تشویق در فرصت و غیر فرصت از طریق موعظه کلام باز نماند و یادگاری از پشتکار، شجاعت و وفاداری برای خادمان جوان ایرانی از خود به جا گذاشت.

مجله شبان

مؤسسه "تعلیم" تقدیم می‌کند TALIM Ministries

شماره ۴۷، سال نهم، فوریه ۲۰۰۸

مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین به‌منظور تشویق و تعلیم و تجهیز ایشان

فهرست مطالب

- کلیسای خانگی: اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی
بخش چهارم (تت استیوآرت)
● بدعت‌های مربوط به تثلیث
بخش نخست: مقدمه (فریبرز خدانی)
● آشنایی با فرقه‌های مسیحیت
بخش دهم و آخر: جمع‌بندی
(آرمان رُشدی)
● مسیح مشاور نیک
بخش چهارم: مشورت مسیح به افراد خشمگین (تت استیوآرت)
● هدف منحصر به فرد زندگی شما
بخش چهارم: قابلیت‌ها و توانایی‌های ما (تلخیص و نگارش: دکتر ساسان توسلی)
● به‌مناسبت درگذشت زنده‌یاد، کشیش سبحانی (منصور خواجه‌پور)

دفتر مجله:

Talim Ministries, Inc
P.O.Box 471736
Aurora, Colorado, 80047-1736
U.S.A.
e-mail: Tatstewart@Comcast.net
Website: www.Talimministries.com

کلیسای خانگی

بخش چهارم: اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی

از کشیش تَت استیوارت

(ترجمه لیلا طهماسبی)

کلیسای خانگی طبیعی‌ترین راه برای گسترش و رشد مسیحیت در طول دوره‌ها بوده است. در قرن اول، اگر نشانی کلیسایی را می‌خواستید، نشانی یک خانه را به شما می‌دادند. امروزه شاهدیم که تعداد کلیساهای خانگی به علت انعطاف‌پذیری آنها به سرعت در حال افزایش است؛ مردم در جَوّی غیر رسمی، در خانه‌ای جمع می‌شوند و عامل اصلی که آنها را کنار یکدیگر نگه می‌دارد، رابطه بین آنهاست نه ساختمان محل تجمع. آنها با مشکل هزینه‌های مالی روبرو نبوده، به راحتی می‌توانند در محیط‌های مختلف قرار گیرند. مانند آب می‌توانند در هر ظرفی جاری شوند و بدینگونه خود را با محیط‌های گوناگون وفق دهند و حیات، انرژی و زنده‌دلی مسیح را به ارمغان آورند.

اکثر اوقات این کلیساها بهترین مکان برای غیر ایمانداران می‌باشند تا در محیطی امن و بدون مخاطره با مسیح آشنا شوند. همچنین محیطی بسیار طبیعی برای نوایمانان است تا آموزش لازم برای شناخت خدا را در آنجا دریافت کنند. برای تأسیس این کلیساها نیازی به روحانیون دوره‌دیده در سطوح بالا نیست، بلکه رهبران کلیسای خانگی که خود آموزش گرفته و می‌خواهند تحت قدرت کلام خدا و هدایت روح القدس، به رهبرانی شایسته تبدیل شوند، رهبری این کلیساها را به عهده می‌گیرند.

اما درست همان خصوصیتی که قوت کلیسای خانگی محسوب می‌شود، می‌تواند باعث سقوط آن گردد. چرا که بسیاری از کسانی که این کلیساها را هدایت می‌کنند از رهنمودهای کتاب مقدس برای شکوفا شدن کلیسای عیسی مسیح و آشکار شدن پادشاهی خداوند، هیچگونه آگاهی ندارند. رهبران جدید بیشتر تمایل به تکرار عملکردهای موجود دارند تا توصیف و اجرای حقیقتی که در خبرخوش آمده است. با در نظر داشتن این مطلب، بیابید نگاهی عمیق‌تر بیفکنیم به آن اصول اساسی که یک کلیسای خانگی مبتنی بر کتاب مقدس، باید بر آنها بنا شود تا در برابر طوفانهای اجتناب‌ناپذیر استوار بماند.

مسیح، سر کلیسا

اجازه دهید مسیح به‌عنوان سر کلیسای خانگی حکم‌فرمایی کند: ”و او بدن یعنی کلیسا را سر است“ (کولسیان ۱:۱۸). کلیسای خانگی فرا خوانده شده تا تحت فرماندهی مسیح گرد هم آید، نه بر اساس جذبه روحانی فردی که رهبری را به عهده گرفته است. پولس در افسسیان از کلیسایی سخن می‌گوید که در اثر امواج تعالیم مردمانی

حیله‌اندیش و مکار به عقب و جلو رانده می‌شدند. آنها با راه‌های فریب‌آمیز خود، مشارکتی از اطفال به‌وجود آورده بودند. «بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیزی ترقی نماییم در او که سر است، یعنی مسیح» (افسیان ۱۵:۴). من قطعاً باور ندارم که اکثر رهبران کلیسای خانگی عمداً بخواهند باعث گمراهی گله‌هایشان شوند، اما زمانی که مسیح به‌عنوان سر بدن شناخته نشود، ناخودآگاه این اتفاق خواهد افتاد. با دیدن کار خدا در زندگی دیگران، به راحتی می‌توان تحت تسخیر هیجان آن قرار گرفت و آمدن افراد به سوی مسیح را به حساب رهبری خود گذاشت. موفقیت در خدمت باعث سرخوشی می‌شود؛ بنابراین لازم است که تمرکز کلیسای خانگی خود را روی مسیح حفظ نماییم. چندین روش عملی برای اداره گردهمایی کلیسای خانگی، به طریقی که اقتدار و فرمانروایی مسیح را عزت بخشد، در زیر آمده است:

- پیشاپیش، برای تمامی حاضرین دعا کنید، از مسیح بخواهید که در جمع شما با قدرت حاضر باشد و شما را محافظت نماید.
- تمامی جلسات را با پرستشی شروع کنید که روی شخصیت خداوند تکیه می‌کند؛ به‌طور مثال، بسیاری از خصوصیت‌های خداوند در مزامیر ۱۴۵ آمده است که می‌توان آنها را شناسایی کرده، در نیایش خود از آنها استفاده کنیم.
- در مقام یک رهبر، خود را کاملاً به مسیح سپرده، با قلبی خادم حضور یابید.
- با قائل شدن مرجعیت نهایی برای کلام خدا در برابر هر عقیده و رسمی، به مسیح جلال بخشید.
- حضور مسیح را انتظار بکشید، نگاهتان بر او باشد و برای گرفتن رهنمود، به کلام او رجوع کنید و سپس تمامی نیازها را به‌صورت دعای شفاعت در حضور او بلند کنید.

کهنات همه ایمانداران

یاد بگیرید برای کهنات ملوکانه همه ایمانداران خوشحالی کنید و از آن تجلیل به‌عمل آورید: «لکن شما قبيله برگزیده و کهنات ملوکانه هستید» (اول پطرس ۲:۹). معنای کاهن در مفهوم تاریخی آن، به معنی شخصی است که خدا را به مردم می‌شناساند و نیازهای ایشان را در قالب دعای شفاعت به نزد خدا می‌برد. پادشاهان عیسی مسیح، کاهن اعظم کامل است؛ چرا که او خدای نادیده را بر ما آشکار می‌سازد و با بردن گناهان ما بر روی صلیب، ما را بی‌عیب به حضور خدایی می‌برد که خود مقدس است. در طی تاریخ اولیه کلیسا، گروهی متشکل از کشیش‌ها یا مردان روحانی به‌وجود آمد که به‌منظر می‌رسید رابطه نزدیکتری با خدا دارند و می‌توانند به‌عنوان کسانی که کلام خدا و حقیقت را بیان می‌کنند، مسیحیان سطوح میانی را خدمت کنند. در دوره اصلاحات، بسیاری از حقایق از دست‌رفته کتاب مقدس، بازیابی شد. یکی از آن حقایق، کهنات همه ایمانداران است. این حقیقت به ما می‌آموزد که همه ایمانداران وظیفه خدمت در کلیسای مبتنی بر کتاب مقدس را دارند. اما به این معنی نیست که همه ایمانداران می‌توانند هر کاری را در بدن مسیح انجام دهند، زیرا عطایای روحانی گوناگونی وجود دارد که منجر به خدمت در

زمینه‌های گوناگون می‌شود و همچنین میزان رشد و بلوغ در مسیحیت، مراحل مختلفی دارد که با توجه به آن، شخص صلاحیت لازم برای خدمت را کسب می‌کند. اما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که منظور این است که همه ما می‌توانیم برای یکدیگر دعا کنیم و تعلیمی را که از کتاب مقدس می‌گیریم، با یکدیگر در میان بگذاریم. همچنین بدین معناست که کلیسای خانگی سالم، مکانی است که همه برای کمک و خدمت به یکدیگر جمع می‌شویم و این خدمت جزء اختیارات شخصی عده به‌خصوصی نیست. چندین راه که به کمک آنها می‌توانید کهنات همه ایمانداران را در کلیسای خانگی شکوفا سازید، عبارتند از:

- هنگام پرستش، تا حد امکان تعداد بیشتری از مردم را در این امر شرکت دهید. به‌طور مثال، با دعوت آنها به خواندن یک مزمور، ذکر آیه‌ای در باره خصوصیات خاص خداوند و یا مشارکت در دعا‌های نیایشی، این کار را می‌توانید انجام دهید.
- از روشی گروهی برای مطالعه کتاب مقدس استفاده کنید. یک الگوی مفید این است که به‌ترتیب با دعوت هر شخص به خواندن یک آیه، متن را با هم بخوانید. از تک تک افراد بخواهید آیه‌ای را که بر قلب یا فکر آنها بیشتر نشسته است، با دیگران در میان بگذارند. سپس از گروه بخواهید فهرستی از سؤالات در رابطه با متن خوانده‌شده تهیه نمایند و سایر افراد را تشویق کنید با توجه به آیات مذکور، سؤالها را پاسخ دهند. در انتها، در مورد چگونگی کاربرد آن حقایق با هم صحبت کرده، برای یکدیگر دعا کنید.
- زمانی را به این اختصاص دهید که اعضای کلیسای خانگی خود را به گروه‌های سه نفره تقسیم کنید. از هر یک از آنها بخواهید یک موضوع که باعث شادی آنها در خداوند می‌شود و یک ناراحتی از زندگی خود را در گروه مطرح سازند و برای یکدیگر دعا کنند.

در شماره آینده، در باره خصوصیات اساسی کلیسای خانگی بر اساس کتاب مقدس بحث خواهیم کرد.

بدعت‌های مربوط به تثلیث

از کشیش دکتر فریبرز خدانی

بخش اول: مقدمه

ما مسیحیان به تثلیث مقدس معتقدیم. تقریباً همه مسیحیان ایرانی به تثلیث اعتراف می‌کنند و التزام دارند. می‌گوییم تقریباً، به این جهت که در میان مسیحیان ایرانی و گروه‌هایی که خود را مسیحی معرفی می‌کنند، افرادی نظیر شاهدان یهوه هم وجود دارند که بالکل الوهیت و ازلیت عیسی را انکار می‌نمایند؛ یا به‌تازگی گروه دیگری در ایران پدیدار شده است که در مغرب‌زمین با نام Oneness Pentecostal یا United Pentecostal (پنطیکاستی‌های یگانه‌باور) فعالیت می‌کنند که می‌گویند پدر و پسر و روح‌القدس، سه شخص متفاوت و متمایز از یکدیگر نمی‌باشند، بلکه سه نقاب و چهره مختلف از یک شخص به حساب می‌آیند؛ و اینکه خدا خود را در عهدعتیق به‌عنوان پدر، و در عهدجدید به‌عنوان پسر، و در این ایام آخر با چهره روح‌القدس معرفی و نمایان کرده است. نام کارشناسانه این بدعت "مودالیزم" (Modalism) می‌باشد که کنایه به سه وجه (Mode) است که این بدعت برای الوهیت قائل می‌باشد.

وظیفه دشوار خادمین

باید اذعان داشت که آموزه تثلیث، یکی از مشکل‌ترین آموزه‌های مسیحیت است و ما شبانان و معلمین کلام نیز چه بخواهیم و چه نخواهیم، عهده‌دار وظیفه تبیین، تشریح و توضیح این آموزه هستیم. از یک سو، همین مشکل بودن این آموزه، باید ما شبانان و معلمین کلام را تشویق کند که در پیرامون این موضوع بفرنج و سنگین بیشتر مطالعه و دقت کنیم. از سوی دیگر، باید این واقعیت را از نظر دور نداشت که درصد قابل توجهی از جامعه ایرانی از تحصیلات دانشگاهی برخوردار می‌باشند و پرسش‌هایی که جامعه جدید حق‌جو مطرح می‌کند، به مراتب عمیق‌تر و جستجوگرانه‌تر از پرسش‌های والدین آنهاست و بالطبع در خور پاسخ‌های کارشناسانه و عمیق‌تری می‌باشد. این عامل دوم نیز، به خودی خود، باید برای ما معلمین و شبانان انگیزه‌بخش مطالعه و تفکر بیشتر باشد. به عبارت دیگر، خدا از ما دعوت کرده است که موضوع مشکلی چون تثلیث اقدس را برای شاگردان تیزهوش و نکته‌سنجی همچون جامعه حق‌جوی کنونی ایرانی تشریح کنیم، دعوتی که باید آن را جدی گرفت.

اجتناب از راه‌حل‌های ساده‌اندیشانه

با توجه به این دو عامل، لازم است که پیش از هر چیز، از راه‌حل‌های ساده‌اندیشانه دوری نماییم. یکی از این راه‌حل‌های ساده‌انگارانه، توسل جستن به مثال‌های کلیشه‌ای است. فکر می‌کنم که همه ما مثال آب و یخ و بخار، یا شوهر و پدر و فرزند، و یا شاید خودمان نیز از این مثالها بهره جسته باشیم و حتی شعر معروف هاتف اصفهانی را برای حق‌جویان تکرار کرده‌ایم که "سه نگردد بریشم ار او را پر نیان خوانی و حریر و پرند". حال آنکه قبل از هر چیز باید دانست که این مثالها، علاوه بر ضعیف بودن و مناقشه‌پذیری‌شان، در پیش فرض اولیه خود، دچار انحراف

مُدالیزم هستند. یعنی اینکه مثالهای فوق، سه اقنوم را یکی پنداشته و صرفاً آنها را سه چهره متفاوت از یک عنصر قلمداد می‌کنند و به این ترتیب اصل تلفیق میان اقایم را مورد انکار قرار می‌دهند. از جانب دیگر، ممکن است جواب‌های ساده‌اندیشانه ما، شنونده را به این وهم دچار سازد که ما مسیحیان ادعا می‌کنیم که می‌توان خدا را درک و تعریف و تفسیر کرد که البته هیچ مسیحی عاقلی این ادعا را نمی‌کند.

اهمیت آگاهی از فلسفه

باید دانست که فلسفه و بحث‌های فلسفی، بازی خطرناکی است که بازیگر ناشی را به سرعت و به آسانی در دام سخنان ناسنجیده خود گرفتار خواهد ساخت. هیچ چیز بدتر از علم بدون عمل نیست، و از غیرت خالی از اندیشه‌گری چیزی خطرناکتر وجود ندارد. هدف ما این نیست که علم بی‌عمل را پیشه کنیم، لیکن باید تا حد امکان غیرتمان در امر بشارت، توأم با دانش و آگاهی باشد. لذا پیش از هر چیز به شبانان محترم و همکاران عزیزم توصیه می‌کنم که کمی خود را با علم فلسفه آشنا سازند. به این منظور مطالعه "تاریخ فلسفه" نوشته فردریک کاپلستون را (که چند جلد آن به فارسی هم ترجمه شده است) توصیه می‌کنم. پدر کاپلستون یک کشیش کاتولیک بود و کتاب تاریخ فلسفه را برای استفاده از دانشجویان علوم الهی نگاشته است. همچنین آثاری نظیر "سیر حکمت در اروپا" نوشته محمدعلی فروغی، یا "تاریخ فلسفه" نوشته ویل دورانت، برای شروع کار بسیار مهم خواهد بود.

اهمیت آشنایی با تاریخ تفکر مسیحی

ولی جدا از علم فلسفه، آشنایی با تاریخ تحول تفکر مسیحی و شکل‌گیری مسیح‌شناسی و آشنایی با روند شکل‌گیری آموزه تثلیث به ما کمک خواهد کرد تا ابتدا خود این آموزه اساسی مسیحیت را درک کنیم و سپس ابزار فکری و کلامی لازم جهت تشریح و تبیین این آموزه را در دست داشته باشیم. چند سالی است که آقای روبرت آسریان، کتاب مفیدی تحت عنوان "تاریخ تفکر مسیحی" را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند که مطالعه آن را به دوستان عزیزم توصیه می‌کنم.

در باره بدعت‌های تثلیث

با توجه به حساسیت موضوع، و بنا به تقاضای سردبیر محترم مجله، از این شماره به بعد، به مدت چند شماره، یک سلسله مقالاتی راجع به بدعت‌های تاریخی را که در مخالفت با تثلیث قد علم کرده‌اند، خدمت شما همسنگران گرامی معرفی خواهم کرد. در این مجموعه مقالات سعی بر این خواهد بود که این بدعت‌ها و عواقب سوء آنها را از نقطه نظر مراقبت شبانی و دیدگاه عطوفت شبانی بررسی و تفسیر کنم. امیدوارم که مورد توجه شما دوستان قرار بگیرد.

آشنایی با فرقه‌های مسیحیت

بخش دهم و آخر: جمع‌بندی

نگارش: آرمان رُشدی

در شماره‌های گذشته، طی نُه مقاله، به بررسی آراء و عقاید و آیینهای اکثر فرقه‌های مسیحیت پرداختیم. در این شماره، ضمن جمع‌بندی مطالب گذشته، به ارائه تصویری کلی از وضعیت کنونی مسیحیت خواهیم پرداخت. کلیساها را امروزه می‌توان به دو گروه مشخص و متمایز تقسیم کرد. یک گروه، کلیساهای باستانی و سنت‌گرا است (نظیر کلیساهای کاتولیک و ارتودکس)، و گروه دیگر مجموعه کلیساهای پروتستان.

بنیاد اعتقادات کلیساهای سنت‌گرا

کلیساهای سنت‌گرا عمدتاً عبارتند از کلیساهای کاتولیک، ارتودکس یونانی، و ارتودکس روس. کلیساهای قبطی (در مصر)، مارونی (در سوریه)، گریگوری ارمنی، و کلیسای شرق آشور نیز جزو کلیساهای سنت‌گرا و باستانی می‌باشند.

همان‌گونه که در بخش مربوطه اشاره شد، ویژگی اصلی این کلیساها این است که برای سنت پدران اولیه کلیسا و مرجعیت کلیسا جایگاه خاصی قائلند. به‌بیانی ساده‌تر، این کلیساها اصول عقیدتی و آیینهای مقدس و رسوم عبادتی خود را نه‌تنها از کتاب مقدس، بلکه از نوشته‌های پدران کلیسا و نیز مصوبات کلیسا اخذ می‌کنند.

این کلیساها به‌منظور توجیه روش خود، به داده‌های تاریخی استناد می‌کنند. طبق این داده‌ها، مسیحیت در قرن اول به‌دنبال نگارش عهدجدید به وجود نیامد، بلکه در اثر پیام و تعلیم رسولان. پیش از آنکه نگارش کتاب‌های عهدجدید به‌تدریج تا اواخر قرن اول به پایان برسد، کلیسا و مسیحیت وجود داشت و اعتقادات و آیینهای عبادتی این کلیسا بر پایه تعالیم شفاهی رسولان قرار داشت. به این ترتیب، می‌توان گفت که اعتقادات و عبادات و رسوم کلیسایی نظیر کلیسای کاتولیک، بر سه ستون اصلی استوار است: کتاب مقدس، سنت پدران، و مصوبات کلیسا. این ستونها هر سه به یک اندازه از اعتبار و مرجعیت برخوردارند.

برای مثال، ممکن است یک پروتستان به یک کاتولیک بگوید: ”در هیچ جای عهدجدید نیامده که می‌توانیم به قدسین و شهیدان دعا کنیم و از ایشان طلب شفاعت نماییم. چرا شما چنین می‌کنید؟“ یک کاتولیک آگاه در پاسخ به این سؤال خواهد گفت: ”از آنجا که طبق نوشته‌های پدران کلیسا در قرن دوم، مسیحیان اولیه چنین دعایی می‌کرده‌اند.“ یا ممکن است بپرسد: ”در عهدجدید آمده که نوایمانان را به‌هنگام غسل تعمید، در آب غوطه‌ور می‌ساختند. پس چرا شما آنها را با ریختن آب بر سرشان تعمید می‌دهید؟“ باز کاتولیک آگاه پاسخ خواهد داد: ”از

آنجا که طبق کتاب «دیداکه» که همزمان با آخرین دهه از عمر یوحنا رسول نوشته شده، مسیحیان اولیه در مکان‌هایی که آب کافی نبود، اجباراً چنین می‌کردند، و این روش در میان پدران اولیه کلیسا مرسوم بوده است.“ کسانی که مطالعه‌ای در آثار و نوشته‌های پدران اولیه کلیسا داشته‌اند، قطعاً متوجه شده‌اند که این ادعاها در این نوشته‌ها منعکس می‌باشد.

به این ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که منبعی که کلیساهای سنت‌گرا اصول اعتقادی و آیینها و رسوم خود را استخراج می‌کنند، بر خلاف پروتستان‌ها، فقط محدود به کتاب مقدس نیست، بلکه سنت پدران کلیسا و مصوبات مجمع اسقفان در هر دوره‌ای، برای ایشان به همان اندازه مرجعیت و حُجَّت دارد.

ستون یگانه کلیساهای پروتستان

در اواخر قرون وسطی^۱ (یعنی سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی)، کلیسای کاتولیک در ورطه افراط افتاد. امروزه این کلیسا این امر را تصدیق می‌کند. کلیسا به دنیادوستی و تجمل‌گرایی یافته بود. پاپ‌ها قدرت داشتند پادشاه یا حکمرانی را در اروپا نصب یا عزل کنند. پاپ در واقع بر مسند امپراطوران روم باستان نشسته بود و بر امور سیاسی اروپا سلطه کامل داشت. در دربار پاپ فساد اخلاقی به چشم می‌خورد. کلیسا هر کسی را که عقیده‌ای خلاف اعتقادات روم ابراز می‌کرد، یا خاموش می‌ساخت یا یکسره اعدام می‌کرد. کشیشان کاتولیک متعددی به این افراط‌ها و فسادها اعتراض کردند، اما اکثر آنان اعدام شدند.

اما در اوائل سده شانزدهم، کشیشی کاتولیک در آلمان بار دیگر علم مخالفت را با افراط‌های روم بر افراشت. از اقبال خوب او، حکمرانان وقت به‌خاطر ملاحظات سیاسی و اقتصادی، او را مورد پشتیبانی قرار دادند و حتی به نهضت او پیوستند. قصد لوثر این نبود که کلیسای جدید پدید آورد، بلکه می‌خواست کلیسا از درون متحول شود. او قصد داشت کلیسا را از برخی افراط‌ها و فسادهای اخلاقی دور سازد. اما وقتی کار به جایی نبرد، کلیسای نو تشکیل داد.

مهم‌ترین اصلی که لوثر به آن پایبند بود، بازگشت به اصول عهدجدید بود. از او این شعار بر جای مانده است: “فقط کتاب مقدس“. او معتقد بود که هر چه در عهدجدید یافت نشود یا با روح آن مغایر باشد، باید از مسیحیت زدوده شود. به این ترتیب، نهضت پروتستان به وجود آمد که می‌کوشید اصول اعتقادات و آیینهای مقدس و رسوم عبادی را با عهدجدید مطابقت دهد. لوثر می‌گفت که کتاب مقدس باید به زبان مردم هر سرزمین ترجمه شود، و هر کس باید کتاب مقدس را بخواند و می‌تواند آن را تفسیر کند. این رویکرد او درست در نقطه مقابل نظر کلیسای کاتولیک قرار داشت که می‌گفت فقط مجمع اسقفان صلاحیت دارد کتاب مقدس را تفسیر کند. لذا لوثر کلیسای بنیاد نهاد که بر تفسیر خود او از کتاب مقدس مبتنی بود. این همان کلیسای لوثری است که امروز عمدتاً در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی مستقر می‌باشد.

اما لوثر تنها کسی نبود که تفسیر خاص خود را ارائه داد. تقریباً همزمان با او بود که زوئینگلی و کالون در سوئیس تفسیرهای خود را ارائه دادند. کالون کلیسای پرزبیتری را بنیان گذاشت. دیری نپایید که کلیسای کاتولیک

انگلستان خود را از سلطه پاپ خارج ساخت و کلیسای انگلیکن را به وجود آورد. در اوائل سده هفدهم نیز کلیسای باپتیست پا به عرصه وجود گذاشت. در سده هجدهم، جان و چارلز وُزلی کلیسای متودیست را بنیان گذاشتند. همه اینها معتقد بودند که تفسیرشان از کتاب مقدس یگانه تفسیر درست است. به این ترتیب کلیساهای مختلفی تحت چتر مشترک "پروتستان" به وجود آمد؛ این چتر مشترک همانا تلاش برای پایبندی به شعار "فقط کتاب مقدس" می‌باشد. کلیساهایی که نام بردیم، یعنی کلیساهای لوتری، پرزبیتری، انگلیکن، باپتیست، و متودیست، با عنوان کلیساهای جریان اصلی (mainstream) یا کلیساهای نهادینه معروف هستند. کلیساهای جریان اصلی اکنون در سراسر دنیا پیرو دارند.

کلیسای متودیست در ایالات متحده بسیار نیرومند شد. از بطن این کلیسا در سده نوزدهم، نهضتی به وجود آمد که به "نهضت تقدس" (Holiness Movement) معروف است. این نهضت تأکید بیشتری بر اعتقاد جان وُزلی به تجربه مشخص بازگشت و تولد تازه گذاشت. در اواخر قرن مزبور، این تجربه تقدیس را تعمیم به روح القدس نامیدند. موضوع شفا از تأکیدات عمده نهضت تقدس گردید.

و باز از بطن همین نهضت تقدس بود که در اوائل سده بیستم در ایالات متحده، نهضت پنطیکاستی پدیدار گشت. در نیمه دوم قرن بیستم نیز نهضت کریزماتیک تحت تأثیرات نهضت پنطیکاستی به وجود آمد. همان گونه که در شماره قبل شرح داده شد، جنبش کریزماتیک به کلیساهای نهادینه نیز نفوذ کرد و امروزه شمار فزاینده‌ای از اعضای این کلیساها، کریزماتیک هستند.

از اواسط قرن بیستم در ایالات متحده، خادمین مختلف کلیساها یا سازمانهای (Ministries) خاص خود را به وجود آورده‌اند که به کلیساها یا سازمانهای غیرفرقه‌ای (non-denominational) معروف‌اند. هر یک از این کلیساها یا سازمانها که اغلب کریزماتیک هستند، پیرو نظرات و اعتقادات و روشهای رهبر خود می‌باشند. اما از آنجا که اظهار می‌دارند پیرو شعار پروتستان، یعنی "فقط کتاب مقدس" هستند، خود را پروتستان می‌دانند.

وضعیت امروز

در توصیف وضعیت امروز مسیحیت در جهان، باید گفت که تعداد اعضای کلیساهای نهادینه رو به کاهش است، اما در مقابل، شمار اعضای کلیساهای پنطیکاستی و کریزماتیک به‌شکلی چشمگیر رو به فزونی است. شاید یکی از علل عمده این امر، حالت پر شور و هیجان‌انگیز جلسات این کلیساها باشد که با رقص و پایکوبی و سرودهای هیجان‌آور و اتفاقات ملموس و بیرونی نظیر افتادن، خنده، نبوت، تکلم به زبانها و نظایر اینها همراه است. همچنین باید توجه داشت که تأکید این کلیساها بر شفا، وعده موفقیت و کامیابی، و تضمین این امر که خدا در پاسخ به ایمان فرد، هر مشکل او را برطرف می‌سازد، مسیحیتی لمس‌شدنی و مرتبط به دردها و رنجهای انسان را ارائه می‌دهد که طبعاً دردمندان را به خود جلب می‌کند و نیز خلأ روحانی ناشی از جامعه‌ای ماده‌گرا را پر می‌سازد. امروزه، افزایش تعداد کلیساهای غیرفرقه‌ای چنان زیاد شده که تصور نمی‌شود در شرایط کنونی، دیگر قابل کنترل باشد.

علل این تنوع گسترده

در مقابل چنین تنوعی در مذهب پروتستان چه باید گفت؟ چرا این همه تنوع؟ علت اصلی آن را باید در ماهیت کتاب مقدس جستجو کرد. طبق شعار پیشگامان نهضت اصلاحات، هر کس می‌تواند کتاب مقدس را بخواند و درک کند و تفسیر نماید. اما اگر درک کتاب مقدس اینچنین سهل و ساده است، پس چرا در همان آغاز نهضت پروتستان، شاهد پیدایی گروه‌ها و فرقه‌های مختلف هستیم، در حالی که همه آنها نیز مدعی بودند که عقاید و رسومشان منطبق بر کتاب مقدس است و فقط خودشان درک درست را از این کتاب دارند؟

ماهیت کتاب مقدس

همان گونه که ذکر شد، موضوع ماهیت کتاب مقدس از علل اصلی این تنوع است. اما این بحثی است طولانی که نگارنده این مقاله در یکی از شماره‌های قدیمی به آن پرداخته بود. واقعیت این است که به غیر از اصول اساسی اعتقادات (نظیر وحدانیت خدا، تثلیث، کفاره)، بسیاری از مباحث فرعی و ثانوی (نظیر شیوه اداره کلیسا، مفهوم دقیق عشاء ربانی، روش تعمید، تعمید نوزادان) به صراحت در کتاب مقدس مشخص نشده‌اند و حکمی مستقیم در باره آنها نیامده است. اختلاف نظر در باره همین موضوعات فرعی بود که موجب اختلاف نظر در میان پیشگامان نهضت اصلاحات گردید.

تأکید بیش از حد بر نکات فرعی

در قرن بیستم نیز عاملی که سبب پیدایی چنین انبوهی از کلیساهای غیرفرقه‌ای شده، شاید عمدتاً این باشد که رهبران این گروه‌ها گاه نکته‌ای بسیار فرعی را چنان بزرگ نمایانده‌اند که منجر به تشکیل گروه جدیدی از کریزماتیک‌ها شده است. برای مثال، واعظی بر اساس رساله سوم یوحنا، آیه ۲، تعلیمی را اشاعه داد که به "انجیل تندرستی و ثروت" معروف شده است.

تحمیل عقاید زمانه

عاملی دیگر، جستجوی فرهنگ زمانه در لابلای مطالب کتاب مقدس و تحمیل آن بر این کتاب می‌باشد. برای مثال، هواداران نهضت فمینیستی (حقوق مسلم زنان) مدعی هستند که کتاب مقدس این امر را به موضوع تعلیم داده است. نمونه دیگر، موضوع برده‌داری بود که در سده نوزدهم موجب بروز جنگ‌هایی خونین در ایالات شرقی آمریکا گردید. هواداران برده‌داری و مخالفان آن، هر دو ادعا می‌کردند که نظرشان به صراحت در کتاب مقدس تعلیم داده شده است.

تأکید فقط بر یک دسته از آیات

عامل دیگر، تأکید بر یک دسته از آیات به بهای نادیده گرفتن دسته‌ای دیگر می‌باشد. بهترین نمونه این امر را در عقاید کالون و آرمینیوس می‌بینیم. کالون بر آن دسته از آیات تأکید می‌گذاشت که بیانگر این امر هستند که خدا از بدو خلقت، عده‌ای را برای رستگاری تعیین کرد و عده‌ای را برای هلاکت. آرمینیوس نیز بر آیاتی تأکید داشت که حاکی از اختیار و آزادی انتخاب انسان هستند. هر دو مکتب لاجرم برخی آیات را یا نادیده می‌گیرند یا آنها را به‌نوعی تعبیر و تفسیر می‌کنند.

فرهنگ معاصر

در این میان، نباید فراموش کرد که فرهنگ و تفکر زمانه ما مبتنی است بر فردگرایی مفرط، شکستن هر نوع سنتی، و عدم تابعیت از اقتدار و مرجعیت مقامات ارشد. بارزترین نمونه این امر را در روابط خانوادگی مشاهده می‌کنیم. نه شوهر آن اقتدار کتاب‌مقدسی را دارا است، و نه والدین از احترام لازم. شاگرد مدرسه نیز برای معلم تعیین تکلیف می‌کند. جوانان هم دیگر در مقابل سالخوردگان به پا نمی‌خیزند. پرده حجب و حیا و حرمت دریده شده است. متأسفانه بازتاب‌های این فرهنگ را در مذهب نیز شاهدیم. هر عضوی به‌مجرد آنکه مقداری مطالعه کرد، مدعی مقام رهبری می‌شود، کلیسای خود را ترک می‌کند، و کلیسای جدیدی برای خود بر تشکیل می‌دهد.

نقش خادمین

در این آشفته‌بازار، نقش خادمین چیست؟ در اینجا نگارنده حقیر این مقاله، نظرات خود را بیان می‌دارد که قطعاً فراگیر نیست. اما طبق نظر او، شاید بهترین نقشی که خادم می‌تواند ایفا کند، مجهز ساختن خود با مطالعات دقیق و گسترده باشد. خادم باید به‌دقت از اصول اساسی اعتقادات مسیحی آگاه باشد. باید علم تفسیر را بداند. و لازم است از تاریخ کلیسا و تاریخ اندیشه مسیحی آگاه باشد.

همچنین خادم باید از تعالیم فرقه خود به‌دقت آگاهی داشته باشد و با تعالیم سایر فرقه‌ها نیز آشنا باشد. این امر سبب می‌شود که خادم بداند خودش چه می‌گوید و دیگران چه؛ در ضمن، کمک می‌کند تا پرده تعصبات برداشته شود و شخص بیشتر اهل مدارا گردد.

خوشبختانه، امروز منابع بسیار مفیدی در زمینه اصول اعتقادات مسیحیت (برای فرقه‌های مختلف)، علم تفسیر، تاریخ کلیسا، و سیر اندیشه تفکر مسیحی به فارسی تهیه شده است و مسیحیت ایرانی باید به این امر مباحثات کند. امید است این مجموعه از مقالات توانسته باشد وضعیت مسیحیت در دنیای امروز را اندکی روشن کرده و خادمین را تشویق به مطالعه و تحقیق بیشتر کرده باشد.

مسیح، مشاور نیک

بخش چهارم: مشورت مسیح به افراد خشمگین

نوشته کشیش تت استیوارت

(ترجمه لیلا طهماسبی)

”هنگامی که خشمگین می‌شوید، گناه نکنید“ (افسیسان ۴: ۲۶).

خشم، حسی است بسیار قوی که دو حالت بیش نمی‌تواند بگیرد؛ یا می‌توان آن را به جهتی سوق داد که منتهی به اجرای عدالت و پرهیزکاری گردد، یا دامی مهلک شود که ما را به اعماق تلخی و افسردگی افکند. اعضای بسیاری در بدن مسیح وجود دارند که نمی‌دانند چگونه خشم خود را مهار نمایند و موجب قطع روابط یا جریحه‌دار شدن آنها شود. یک قسمت از مشکل این است که به‌ندرت روی این بحث تعلیم داده می‌شود و آگاهی درست از کلام خدا ارائه نمی‌گردد. خشم حسی خدادادی است و به تنهایی در ذات خود، گناه نیست. ما می‌خوانیم که خدا خشمگین شد. ”خدا داور عادل است و هر روزه خشمناک می‌شود“ (مزامیر ۷: ۱۱). در اناجیل مشاهده می‌کنیم که عیسی بر کسانی که خانه خدا را به مغاره دزدان تبدیل کرده بودند، خشم می‌گیرد. پولس در مشاوره خود به ما می‌گوید، مراقب باشید هنگامی که خشمگین هستید، گناه موزید. گناه در این نیست که خشمگین می‌شویم، بلکه در این است که با خشم خود چه می‌کنیم. سلیمان با نوشته خود، این گفته را تأیید می‌کند: ”احمق تمامی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما مرد حکیم به تأخیر آن را فرو می‌نشاند“ (امثال ۲۹: ۱۱). یک مشاور مسیحی باید بداند که چه عواملی موجب خشم شده، چگونه منجر به گناه می‌شوند.

عوامل خشم

خشم موضوعی بسیار شخصی است. آنچه که یک شخص را خشمگین می‌سازد، ممکن است بر روی دیگری بی‌تأثیر باشد؛ به همین دلیل است که گاهی علت عصبانی شدن دیگران برایمان مجهول است. اما در کل می‌توانیم عوامل عمومی را که موجب خشم می‌شوند مشخص کنیم.

ضایع شدن حق

گرچه می‌دانیم که ما در مسیح برای خود زیست نمی‌کنیم (دوم قرن‌تیان ۵: ۱۵)، اما هنوز هنگامی که حس کنیم چیزی به ما تعلق داشته و از ما گرفته شده، بسیار خشمگین می‌شویم. چندین سال پیش، مردی که ساعت‌ها برفهای پارکینگی را برای پارک ماشین خود پارو می‌کرد، به شخص دیگری که آمده و ماشین خود را در آنجا پارک کرد، از شدت خشم، او را با تفنگ کشت.

جریحه‌دار شدن غرور

اخیراً با مردی در یک زمان مشخص، قرار ملاقات داشتم، اما زمانی که به آنجا رسیدم، او خانه نبود. به ناچار در منزل یکی از همسایه‌ها منتظرش ماندم. هنگامی که به خانه رسید و متوجه اشتباه خود شد، نسبت به من خشم گرفت! گاهی اوقات ما نسبت به کسانی که نقاط ضعف و یا شکست ما را نشان می‌دهند، عصبانی می‌شویم، چرا که تکبر ما با کار آنها جریحه‌دار می‌شود (یعقوب ۴:۶).

برآورده نشدن نیاز

هنگامی که وارد یک رابطه می‌شویم، این انتظار را در درون خود داریم که نیازهای ما برآورده خواهند شد. این امر در مورد روابط زناشویی بسیار صدق می‌کند. اکثر اوقات، به علت عدم رسیدگی به نیازها و برآوردن آنها، خشم بسیار زیادی بین زن و شوهرها دیده می‌شود و این امر معمولاً خود را به شکل طعنه نشان می‌دهد. مهم‌ترین علت خشم ما از آن است که حس می‌کنیم نیازهای ما برآورده نشده‌اند.

به‌هنگام دردهای روحی یا جسمی

این خشم می‌تواند در برابر شرایط و یا افرادی باشد که باعث درد شدید ما شده‌اند. من با افرادی مواجه شده‌ام که با داشتن خشم نسبت به زمانی دردناک در گذشته دور، یا نسبت به کسانی که زندگی را بر آنها غیر قابل تحمل کرده بودند، خود را از پای در آورده‌اند. هیچ‌گونه تردیدی نیست که درد، عامل اصلی خشم است.

واکنشهای متداول به‌هنگام خشم

یقین دارم همه ما با عوامل اشاره‌شده در ایجاد خشم، کم و بیش آشنایی داریم و حتی در حینی که این مقاله را می‌خوانیم، ممکن است با بعضی از آنها درگیر باشیم. سؤال بعدی این است که ”با این خشم چه باید کرد؟“ قطعاً اگر براساس کتاب مقدس با آن برخورد نشود، باعث گناه خواهد شد.

انکار

می‌توانیم خشم خود را با ریختن به درون خود، فرو بنشانیم و اجازه ندهیم هیچ‌گونه واکنش خارجی بروز دهد. بعضی از افراد با انکار خشم خود، همین کار را انجام می‌دهند؛ شاید به آنها تعلیم داده شده که یک مسیحی خوب خشمگین نمی‌شود، بنابراین از پذیرفتن خشم خود امتناع می‌ورزند. بعضی دیگر ”خواهان آرامش هستند، حال به هر قیمتی که تمام شود“؛ از ترس اینکه مبدا باعث آزار دیگری شوند، هیچ‌گاه از آنچه که باعث آزار خودشان می‌شود، حرفی نمی‌زنند. چنین افرادی معمولاً به ”مهاجمینی منفعل (غیر فعال)“ تبدیل می‌شوند؛ به این معنا که خشم خود را

رو در رو نشان نمی‌دهند. ممکن است کارهایی را که قول داده‌اند انجام دهند، "فراموش" کنند و یا برای انجام تعهدات خود دیر حاضر شوند.

پس انداز

برخی دیگر درد و آزار هایشان را پس انداز می‌کنند و سوابق فکری حساب شده خود را برای زمانی حفظ می‌کنند که یکبار همه را نقد کنند و با دیگران بی حساب شوند. اینگونه اشخاص با جزئیات کامل به یاد دارند که چگونه مظلوم واقع شده‌اند. در هر صورت، کسانی که خشم را به درون خود می‌ریزند، معمولاً به سلامت خود آسیب رسانده، دوستی هایشان را نیز به مخاطره می‌اندازند.

بروز سریع

در کفه دیگر ترازو، افراد دیگری را می‌بینیم که در ابراز خشم خود بسیار سریع هستند. آنها مانند کوه آتشفشانی می‌باشند که منفجر می‌شود و پس از فوران آتش بر سر اطرافیان خود، احساس بهتری می‌کنند. با بیان واژه‌هایی که تقریباً جنبه خود-ستایی دارند، توضیح خواهند داد که صرفاً چون صادق هستند، باید افکار خود را بیان کنند. مشکل این کار در این است که گرچه ممکن است این افراد احساس بهتری کنند، اما پشت سر خود، رد پایی از روابط درهم شکسته با کسانی می‌گذارند که صرفاً از واهمه انفجاری دیگر، نمی‌توانند دوباره با آنها روراست و صادق باشند. با این توصیفات، امیدوارم برایتان روشن شده باشد که نگاه داشتن و انکار خشم و همچنین منفجر شدن و عدم حفظ حد و حدود، به گناه ختم می‌شود. در ابتدای این مقاله بیان کردیم که خشم به تنهایی در ذات خود گناه نیست و عوامل بسیاری وجود دارند که موجب خشم ما می‌شوند؛ اما نکته‌ای که دانستن آن بسیار ضروری است، این است که عکس‌العملی که ما در برابر خشم خود نشان می‌دهیم، می‌تواند ما را به گناه بیندازد. کلام خدا چه مشورتی را در مورد خشمگین بودن ولی گناه نکردن به ما می‌دهد؟

مشورت کتاب مقدس

انکار نکنیم

گرچه به نظر خیلی ساده می‌آید، اما ابتدا از اینجا شروع می‌کنیم که خشمگین شدن خود را انکار نکنیم. شخصاً این مطلب درس بسیار سختی برای من بود، چرا که همیشه تصور می‌کردم روحانی‌تر از آن هستم که بتوانم خشمگین شوم. پافشاری می‌کردم که نسبت به دیگران در مانده و یا ناامید می‌شوم اما نه عصبانی! بعداً متوجه شدم که تکبر من، مانع برخورد صادقانه‌ام با این مطلب می‌شد که من آدمی عصبانی بودم. این مکاشفه مرا کمک کرد یاد بگیرم چطور با این موضوع به طرز صحیح برخورد نمایم. سپس باید بیاموزیم با خشم خود چه کنیم. آیا آن را به درون خود به درون خود بریزیم؟ آیا بدون در نظر گرفتن دیگران، آن را بروز دهیم؟ ممکن است لازم باشد اعتراف کنیم که خشم اغلب ما را به گناه کشانده است (اول یوحنا ۱: ۱۰-۸).

حمله به مشکل، نه به فرد

در مرحله بعدی، موقعیت‌هایی را که معمولاً باعث عصبانیت شما می‌شوند و افرادی را که با آنها در تنازع هستید شناسایی کنید تا بتوانید بر اساس کتاب مقدس با آنها روبرو شوید. هر روزه قلب خود را به مسیح بسپارید. ”دل خود را به تمام نگاه دار، زیرا که مخارج‌های حیات از آن است“ (امثال ۴: ۲۳). خواسته‌های خود را به مسیح بسپارید. ”مسیح برای همه مرد تا تمام کسانی که زنده‌اند یعنی کسانی که از او زندگی جاوید یافته‌اند، دیگر برای خود و ارضای خواسته‌های خود زندگی نکنند، بلکه برای خشنودی همان کسی زندگی کنند که در راه ایشان مرد و دوباره زنده شد“ (دوم قرن‌تین ۵: ۱۵). پس از اینکه توانستید خشم خود را کنترل کنید، توجه خود را بر روی مشکل متمرکز سازید. به عبارتی دیگر، به جای حمله به مردم، به خود مشکل حمله کنید. کلام خدا به ما تعلیم می‌دهد که راستی را با عشق و علاقه باید به یکدیگر گفت (افسیان ۴: ۱۵).

یکبار با شخصی که خرناسهای بسیار بلندی می‌کشید هم‌اتاق شدم، طوری که نمی‌توانستم بخوابم. صبح آن روز از دست او بسیار عصبانی بودم که تمام شب مرا بیدار نگاه داشته بود. همینکه علت خشم خود را بررسی کردم، متوجه شدم به‌خاطر این بود که به داشتن خواب خوب شب باور داشتم؛ در آن زمان بود که متوجه شدم خشم من دارد مرا به گناه وا می‌دارد و رابطه دوستی مرا خدشه‌دار می‌سازد، بنابراین تصمیم گرفتم به مشکل حمله کنم. به دوست خود گفتم که گرچه او را بسیار دوست دارم اما خرناسهای او مانع خواب من می‌شد، بنابراین ترتیبی دادم که در یک اتاق دیگر بخوابم. لطمه‌ای به دوستی ما نخورد و استراحت شبانه خوبی نیز داشتم. زمانی که پیام‌وزیم چگونه خشم خود را هدایت کنیم تا باعث حل مشکلات و بهبود روابط گردد، به آزادی بی‌نظیری دست می‌یابیم.

هدف منحصر به فرد زندگی شما

نوشته اریک ریز

تلخیص و نگارش: کشیش دکتر ساسان توسلی

(ترجمه لیلا طهماسبی)

بخش چهارم: قابلیت‌ها و توانایی‌های ما

این مقاله، بخش چهارم معرفی کتابی است به قلم اریک ریز (Erik Rees) به نام "S.H.A.P.E.: کشف هدف منحصر به فرد زندگی خویش و شکوفاسازی آن".

همان طور که در شماره‌های قبل اشاره کردیم، پیام اصلی این کتاب این است که خدا به شکلی منحصر به فرد به هر یک از ما عطاهایی ارزانی داشته است. نویسنده از سرواژه SHAPE استفاده می‌کند که مخفف حروف اول پنج کلمه است، به این ترتیب: S برای spiritual gift (عطاهای روحانی)؛ H برای heart (دل و اشتیاق)؛ A برای abilities (قابلیت‌ها و توانایی‌ها)؛ P برای personality (شخصیت)؛ و E برای experiences (تجارب). به عبارتی دیگر، همه ما که به مسیح ایمان داریم، از عطاهای روحانی منحصر به فرد، علائق و اشتیاق‌ها، توانایی‌ها، خصوصیات شخصیتی، و تجربیات زندگی‌ای بهره‌مندیم که خاص خود ما می‌باشند و ما را تبدیل به آن شخصیتی ساخته‌اند که هستیم، و نیز انگیزه‌هایی را تشکیل می‌دهند که محرک‌های ما در رفتارمان می‌باشند. لذا همه ما نیاز داریم کشف کنیم که خدا ما را چگونه ساخته، و از طریق کشف این حقیقت، پی ببریم که با زندگی و دعوت خود باید چه کنیم.

در شماره ۴۵ به بررسی موضوع دل و یا شور و اشتیاق واقعی پرداختیم. در این شماره نگاهی به قابلیت‌ها و توانایی‌ها و کشف آنچه که به‌طور خدادادی در انجام آنها مهارت داریم خواهیم پرداخت.

قابلیت‌های خدادادی ما

خدا قوت خارق‌العاده‌ای در ما به ودیعه گذاشته است. همانطور که در رومیان ۱۲:۶ می‌خوانیم، "خدا به هر یک از ما نعمت و عطایای خاصی بخشیده است تا وظایف خاصی را انجام دهیم." بنا به گفته ریک وارن: "توانایی‌های بالقوه شما به روشنی نشان می‌دهند خدا از شما در زندگی چه می‌خواهد. آنها نشانگر اراده خدا برای زندگی شما می‌باشند... خدا توانایی‌ها را نادیده نگرفته، آنها را به هدر نمی‌دهد، بلکه بین آنها و آنچه که او ما را فرا خوانده تا در زندگی خود انجام دهیم، مطابقت ایجاد می‌کند."

چند لحظه با خود فکر کنید که به چه کاری علاقه دارید، کارهایی که با اطمینان خاطر آنها را به خوبی انجام می‌دهید. این مرور به شما کمک می‌کند تا راههای خاصی را برای محبت به دیگران پیدا کنید. در طول زندگی خود چیزهایی را کشف می‌کنید که به‌طور غریزی علاقه خاصی به انجام آنها دارید. در مقابل، مواردی نیز هستند که زندگی‌تان بدون انجام آنها نیز می‌گذرد. وقتی کاری را با علاقه انجام می‌دهید، بیشتر برایتان شبیه سرگرمی می‌شود و زمانی که فرصتی برای انجام آن دست می‌دهد، بی‌صبرانه منتظر شروع آن خواهید بود. آنها خسته‌کننده و وقت‌گیر به نظر نمی‌رسند، به‌طوریکه اطرافیان‌تان ممکن است بگویند که شما آن کار را آنقدر با شادی و علاقه و براحتی انجام می‌دهید که گویا انجام آن هیچ زحمتی ندارد.

این شادی و آرامش می‌تواند بر چگونگی استفاده شما از عطایا و توانایی‌هایتان برای خدمت به دیگران تأثیر بگذارد. رابین چدک در کتاب خود به نام «کشف وظایف الهی شما» می‌پرسد: «آیا تا بحال برایتان پیش آمده که کسی به شما بگوید: «خیلی ممنون»، و شما در پاسخ بگویید: «اما من که کاری نکرده‌ام»؟... مردم توسط خدا و از طریق شما شفا می‌یابند فقط به دلیل اینکه شما آنچه را انجام داده‌اید که خدا می‌خواسته انجام دهد، و آن شخصی بوده‌اید که او می‌خواسته باشید، نه به خاطر آنچه که شما فکر می‌کنید باید باشید و انجام دهید تا دنیا از آن بهرمند شود.»

از خود سؤال کنید

بنابراین سؤالی که از بایستی از خود بپرسید این است: «در چه کارها و زمینه‌هایی به‌طور طبیعی (خدادادی) بهتر عمل می‌کنم؟» آیا شما کسی هستید که علاقه دارد به سایرین الهام بخشد؟ آیا خلاقیت فکری یکی از روشهای کاری شما است؟ آیا علاقه دارید با دست‌هایتان کار کنید؟ آیا استعداد موسیقی در شما نهفته است؟ آیا بعنوان سازمان‌دهنده گروه شهرت دارید؟ برای هر آنچه که به‌طور غریزی در انجام آن خوب هستید و علاقه دارید، راهی پیدا کنید تا آن را برای خدا به کار گیرید!

شاید همین اکنون شما از عطایای خدادادی خود برای او استفاده می‌کنید. اگر چنین است، خدا به شما برکت بدهد! اما آیا هیچ گاه فکر کرده‌اید شاید خدا چیزهای بیشتری برای شما در نظر دارد؟ آیا مشتاق دریافت بیشتر هستید؟ شاید سخن خدا به شما این باشد: «ای محبوب من، وسیع شو و رشد کن!» مادامی که بدنبال اراده و هدف خدا باشیم، او هیچ گاه از نشان دادن آن به ما باز نمی‌ایستد. ما خلق شده‌ایم تا برای خدا به کار گرفته شویم.

بدون داشتن امید و انتظار برای آنکه در جهت هدفی که بالاتر از خود ماست مورد استفاده قرار بگیریم، روزها بسیار طولانی می‌شوند و زندگی نیز طولانی و کسل‌کننده خواهد شد. هدف از مرور نکات قوت و علاقه شما این نیست که اعتماد به نفس خود را با اشاره به شایستگی‌های خود بالا ببرید، بلکه هدف یادآوری شایستگی مطلق خدا برای به کارگیری مخلوقات خود است. در قوت و توانایی‌های ما جلال و عظمت خدا دیده می‌شود.

ما بیشتر اوقات به منظور حفظ رویه زندگی‌ای که در پیش گرفته‌ایم، تمام توجه خود را تنها متمرکز کاری می‌سازیم که تصور می‌کنیم باید انجام دهیم، یا حتی تحت هر فشار هم که شده آن کار را ادامه دهیم. اما زمانی که

انجام کارهایی را در پیش می‌گیریم که خدا ما را برای انجام آنها به‌طور خاصی طراحی کرده، از بار این فشارها آزاد می‌شویم. ضروری است که عطایا و توانایی‌هایی را که خدا به شما ارزانی داشته مجدداً ارزیابی کنید، اما این بار برای درک هدف فناپذیر و لایزال خدا و شرایط زندگی که او شما را در آن قرار داده است. آنچه که کشف می‌کنید، می‌تواند شما را آزاد کند و درها را به روی خدمتی جامع و گیرا برایتان باز کند که هیچ‌گاه تصورش را نمی‌کردید.

به خدا پاسخگو هستیم

بسیار آسان است که در پی مشغله‌های زندگی روزمره، استعدادهای خدادادی خود را فراموش کنیم، اما یک روز تک تک ما در حضور خدا خواهیم ایستاد و باید پاسخگو باشیم که با آنها چه کردیم. بنابراین زمان استفاده از استعدادها و توانایی‌ها همین الان است! زندگی کوتاه‌تر از آن است که نخواهیم نهایت تلاش خود را برای خدا بکنیم. آرتور میلر می‌نویسد: "در نظر داشته باشید که شما در برابر آنچه که او در شما به ودیعه گذاشته تا با آن کار کنید، مسؤول هستید." اندرو ماری، واعظ بزرگ قرن نوزدهم، این مقایسه را به عمل آورده است: "من قلمی در جیب خود دارم. این قلم خود را کاملاً به وظیفه‌اش که همانا نوشتن است وقف کرده، و همچنین به دست من، البته به شرط اینکه بخواهم به طرز صحیحی با آن بنویسم. حال اگر شخص دیگری قسمتی از آن قلم را در دست بگیرد، دیگر من نمی‌توانم با آن بنویسم." به همین منوال، اگر ما جلو استعدادها و توانایی‌هایی را که خدا در بدو تولد در ما به ودیعت نهاده بگیریم و یا برای هدف‌هایی غیر الهی از آنها استفاده کنیم، هیچ‌گاه از آنها به حد کمال استفاده نخواهد شد.

فهرست توانایی‌ها

فهرستی از توانایی‌های بسیار متعارف در ذیل ذکر شده؛ این فهرست طبعاً کامل نیست. تمام توانایی‌ها برای خدا ارزش دارند و از دیدگاه او همگی از اهمیت یکسانی برخوردارند. کارهایی را که در ذیل ذکر شده مد نظر قرار دهید و قابلیت‌های غریزی خود را که در آنها مهارت و علاقه بیشتری دارید کشف کنید.

مدیریت؛ تجزیه و تحلیل کردن؛ کارهای عملی؛ مربی‌گری؛ ارتباط برقرار کردن؛ حسابداری؛ ایجاد پیوند؛ مشورت؛ آشپزی؛ هماهنگ کردن؛ مشاوره؛ تزئین کردن؛ طراحی؛ کارگردانی؛ ویرایش؛ تشویق؛ مهندسی؛ کمک‌رسانی؛ ترغیب کردن؛ رهبری کردن؛ یادگیری؛ ارشاد کردن؛ انگیزش دادن؛ نظم دادن؛ به‌کار گرفتن افراد؛ تعمیر؛ پژوهش؛ ابتکار؛ خدمت؛ تعیین خط‌مشی؛ تعلیم؛ ترجمه؛ نگارش.

چند سؤال برای کشف توانایی‌های خدادادی خود

آیا می‌دانید با چه توانایی‌هایی به دنیا آمده‌اید؟ اگر جواب شما منفی است، پاسخگویی به سؤالات زیر می‌تواند شما را کمک کند. در ضمن مرور هر توانایی، خود را نیز بر اساس این که علاقه شدید به انجام آن کار دارید، آن را دوست دارید، یا برایتان اهمیتی ندارد و بدون انجام آن نیز می‌توانید زندگی کنید، درجه‌بندی کنید. هدف، باز کردن آغوش شما به روی کارهایی است که اشتیاق به انجام آنها دارید، نه تنها کارهای که از عهده‌تان بر می‌آید.

بیشترین اشتیاق را فقط به آن احساس می‌کنید

نمی‌توانید زندگی را بدون این فعالیت‌ها تصور کنید. آنها تکمیل‌کننده روز شما می‌باشند. اگر حق انتخاب داشتید، آنها را به‌طور تمام وقت انجام می‌دادید. از طریق این قابلیت‌ها است که به نیازهای انبوه مردمی رسیدگی خواهید کرد که در شماره ۴۵ خود را با آنها نزدیک احساس کردید. آنها می‌توانند جزیی از شغل شما باشند اما نه الزاماً. شغل و حرفه شما می‌تواند خیمه‌دوزی باشد، همان کاری که پولس رسول انجام می‌داد. اگر از کار و حرفه تمام‌وقت خود ناراضی باشید، به‌محض اینکه کاری را پیدا کردید که به آن بیشترین علاقه را دارید، آن را حرفه و شغل خود خواهید ساخت.

فقط آن را دوست دارید

ممکن است از انجام این گونه فعالیت‌ها لذت ببرید، اما لزومی نمی‌بینید برای حس رضایت خود آنها را مرتباً انجام دهید. عکس‌العمل شما نسبت به آنها چنین است: ”یا می‌توانم آن را قبول کنم و یا از کنارش بگذرم.“ ممکن است از انجام آنها لذت ببرید، اما واقعاً علاقه و اشتیاقی به آنها نمی‌ورزید.

برایتان اهمیتی ندارد

این‌گونه فعالیت‌ها در مقایسه با آنچه که اشتیاق به انجامش را دارید، باعث احساس یأس و سرخوردگی شما می‌شوند. زمانی که شرایطی پیش می‌آید که مجبورید این قبیل کارها را انجام دهید، اولین واکنش شما کنارگیری از آنها است؛ و در صورتی که به‌طور مداوم مجبور به حمل بار آن مسئولیت‌ها باشید، احساس درماندگی به شما دست خواهد داد. گر چه ممکن است آنها را با کارایی انجام دهید، اما انگیزه‌ای که شما را بسوی آنها سوق دهد، یا وجود ندارد یا بسیار ناچیز است.

بنا به گفته میکل آنژ: ”خطری که اکثر ما را تهدید می‌کند این نیست که هدف ما بسیار مرتفع و عالی است که به آن دست نمی‌یابیم، بلکه مشکل بزرگتر این است که هدف ما آنقدر خرد و ناچیز است که به آن دست می‌یابیم.“ لازم است بدانید که توانایی‌های ”غریزی“ ما همانند عطایای روحانی، هدایایی هستند از جانب خدا. ما باید آنها را کشف کرده، برای جلال و اهداف خدا در زندگی خود به کار گیریم. یک روش برای انجام آن، این است که اجازه

دهید قابلیت‌هایتان از طریق شخصیت بی‌نظیری که خدا تنها به شما ارزانی داشته، همچون نوری به بیرون بدرخشند. گاهی وسوسه می‌شویم خود را شبیه دیگران سازیم، اما با این کار خدا، دیگران، و خود را فریب داده‌ایم. خدا مأموریت خاصی دارد که تنها توسط شما اجرا می‌شود، بشرط آنکه در جا و شخصیت خود عمل کنید. در شماره بعدی به موضوع شخصیت خواهیم پرداخت.

به‌مناسبت درگذشت زنده‌یاد، کشیش سُبْحانی

به قلم کشیش منصور خواجه‌پور

”و او بخشید ... بعضی مبشران، بعضی شبانان و معلمان را برای تکمیل مقدسان، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح.“ (افسیان ۴: ۱۱-۱۲)

کریسمسی که پشت سر گذاشتیم، روز بسیار ویژه‌ای برای برادر گرامی‌مان شادروان کشیش پطرس (سید آقا) سُبْحانی بود. در روز ۲۵ دسامبر ۲۰۰۷ این پدر و برادر گرامی میلاد عیسی مسیح را به همراه فرشتگان مقدّسش در آسمان جشن گرفتند. در این سالروز میلاد مسیح، کشیش سُبْحانی در سن ۹۲ سالگی زندگی کوتاه زمینی را به مقصد حیات ابدی ترک گفتند و برای همیشه از محدودیت‌های زندگی زمینی رها گشتند. این همسر، پدر، برادر، معلم، مبشر و کشیش عزیز در ژانویه سال ۱۹۱۵ میلادی در شهر شیراز دیده به جهان گشودند و در جوانی چشم دل باز کرده، تمام وجود خود را به عیسی مسیح سپردند. در این گزیده کوتاه نگاهی اجمالی داریم بر زندگی پر بار ایشان. باشد که با به یاد آوردن زندگی این مرد خدا، مایانی که شاید چند صباح دیگر وقت داریم تا به دیدار معشوق بشتابیم، از زندگی او درس گرفته، در خدمت خود راسخ‌تر گردیم.

ایمان و دل‌سپردگی کشیش سُبْحانی به مسیح باعث شد که از همان عنفوان جوانی، روز و روزگار خود را در خدمت به مسیح سپری کند، خدمتی که هیچگاه از آن خسته‌خاطر نشد بلکه با ایمانی وفادارانه، همه روزه برای خدمت به خدا و قوم او تلاش کرد. خیلی زود پس از مسیحی شدن، تعصّب مذهب پیشین ایشان، تبدیل به غیرتی عظیم برای خداوند گردید، غیرتی که مسیر زندگی ایشان را به‌کلی عوض کرد و از او خادمی امین برای کلیسای خدا در میان ایرانیان ساخت.

حوزه خدمت ایشان دایره وسیعی داشت. ایشان در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، برای مدتی به‌عنوان مبشر کلیسای اسقفی ایران در بیمارستان حضرت لوقای اصفهان خدا را خدمت می‌کردند. بیمارستان حضرت لوقا، در دوران پیش از انقلاب اسلامی، مرکزی بود برای درمان بیماریهای جسمی و روحانی افراد بی‌بضاعتی که از همه‌جا خود را رانده و محروم می‌دیدند. دعا برای شفای بیماران، کمک در جهت بهبودی جسمی مریضان، جزء ساده‌ترین کارهایی بود که یک مبشر در بیمارستان بر عهده داشت.

پس از ازدواج، به اتفاق همسرشان (خواهر هیلدا) به تهران عزیمت کردند و رسماً به‌عنوان مبشر و مسؤول کتابخانه نور به استخدام کلیسای انجیلی در آمدند. در آن کلیسا بود که آموخت چگونه رخت سفر بسته و بارها از خانه و کاشانه خود دور شده، در شهرها و روستاها سفر کرده، تا شاید بدینوسیله بتواند یک نفر دیگر را به خانواده خدا نزدیک گرداند. یکی از بارزترین ویژگی‌های این سفرها، حفظ قناعت و زندگی ساده بود. کشیش سُبْحانی،

سالهای زیادی به همراه دکتر میلر و سایر میسیونرها برای تبشیر کلام خدا به شهرهای مختلف ایران سفر نمودند. کشیش مهدی عبهری می‌گویند که خوب به یاد دارند چگونه شصت سال پیش، از دیدن این خادمین فداکار در شهر دامغان لذت می‌بردند و برکت می‌یافتند. برادر سُبْحانی، در خلال این سفرهای بشارتی (حتی در زمان حکومت پیشین ایران) بارها جفا دیدند ولی لب به اعتراض نگشودند. چندین بار بازداشت به بهانه‌های گوناگون مانع سفرهای آتی ایشان نشد. یکی از خاطراتی که ایشان بارها با خوشی از آن یاد می‌کردند، بازداشت در شهر قم به‌هنگام توزیع کتابچه‌های مسیحی بود. نویسنده به خوبی به یاد دارد که چگونه کشیش سُبْحانی با لبخند آرامی از خاطره کتک خوردنش در قزوین یاد می‌کردند. ولی هیچکدام این اتفاقات باعث نشد که ایشان از بیان مژده نجات خدا خودداری نمایند.

در اوائل انقلاب ایران، هنگامی که برای تبشیر کلام به همراه یکی دیگر از اعضای کلیسای انجیلی به میدان ژاله رفته بودند، توسط عده‌ای به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت که بعدها همین امر موجب نابینایی وی گردید. در اوائل دهه ۱۹۸۰ به اتفاق همسرشان، به شهر نیویورک عزیمت نموده، بلافاصله خدمت خود در میان ایرانیان آمریکا را آغاز کردند. در سال ۱۹۸۴ با تأیید شورای کلیساهای انجیلی ایران و توسط کلیسای پرزبیتری در ایالات متحده آمریکا به سمت مقدس کشیشی دستگذاری شدند. ایشان با تلاشی خستگی‌ناپذیر، تحت هدایت روح‌القدس، کلیساهای زیادی را پایه نهادند. از جمله کلیساهایی که ایشان پایه‌گذاری نمودند، می‌توان به کلیساهای ایرانی نیویورک، کنتیکت، فیلادلفیا، واشنگتن دی‌سی، شیکاگو و آتلانتا اشاره کرد. انگار خوانده‌شدگی ایشان این بود که مانند مولای خود شهر به شهر بگردد و انجیل را موعظه کند. علاوه بر کلیساهای ایرانی در این شهرها، کلیساهای ایرانی و آمریکایی دیگری نیز در شهرهای دیگر از کشیش سُبْحانی برای موعظه، تدریس و شهادت دعوت به عمل می‌آوردند. در مراسم یادبود ایشان عده بی‌شماری از شهرهای مختلف آمریکا شرکت کردند تا به ایشان اداری احترام نموده، از خدمات ایشان در شهر خود تقدیر نمایند.

دو روز پس از خوابیدن در خداوند، بدن زمینی ایشان را در تابوتی بسیار ساده نهادیم، به آسمان نگرستیم و با سرابیدن سرود «شاد باش ای روح» با ایشان وداع کردیم. پیغامهای تسلی‌بخش بی‌شماری از خادمین، ایمانداران، دوستان، کلیساها و سازمانهای مختلف دریافت کردیم. علاوه بر اینها، انجمن کلیساهای و مشارکت‌های انجیلی در آمریکای شمالی، مراسم یادبود باشکوهی در روز یکشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۰۸ در کلیسای ایرانیان واشنگتن دی‌سی برگزار نمود. در انتهای این مراسم که با حضور خانواده ایشان و بالغ بر یکصد نفر از مؤمنین و خادمین عیسی مسیح برگزار شد، کتابخانه‌ای به نام و یاد خدمات گرانقدر این برادر عزیز وقف شد. تا کنون صدها جلد کتاب نایاب و یا کمیاب مسیحی فارسی به کتابخانه کشیش سُبْحانی اهداء شده است و نیز عده زیادی با ارسال هدایای نقدی و چک، مراتب احترام خود را به ایشان ابراز نمودند. تا کنون مراسم بسیاری به یادبود زندگی ایشان در آمریکا، اروپا و ایران برگزار شده است.

بی‌تردید اگر مرگ مقدس‌ان خداوند در نظر او گرانبها می‌نماید، غیبت این چنین افراد امین از کلیسا، خصوصاً کلیسای ایرانی امری بسیار دشوار است. ولی امید پر جلال ما، یعنی عیسی مسیح که وعده‌دهنده امین است، ما را به

سوی خود می‌خواند تا در آرامی او داخل شود. این خادم کهنه‌کار، کهنه‌سربازی دلیر و منظم بود که از زمان لیبیک گفتن به دعوت الهی جهت موعظه انجیل نجات‌بخش خداوندمان عیسی‌ای مسیح تا روز ۲۲ دسامبر ۲۰۰۷ که آخرین موعظه خود را از طریق خط تلفن ایراد کرد، از خدمت بنا، اصلاح، تشویق در فرصت و غیر فرصت از طریق موعظه کلام باز نماند و یادگاری از پشتکار، شجاعت و وفاداری برای خادمان جوان ایرانی از خود به جا گذاشت.